

تحلیل جغرافیایی - حقوقی تروریسم در غرب و جهان اسلام بر اساس آموزه- های اسلامی و قواعد حقوق بین‌الملل

علی حایک

گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

احمد رمضان^۱

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

مریم مرادی

استادیار حقوق، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

سید باقر میرعباسی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمد صادقی

استادیار پژوهشکده تحقیقات و مطالعات هرمز، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۰۴ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۹

چکیده

تروریسم تفسیری تنگ‌نظرانه و محدود از قواعد و اصول در قلمرویی جغرافیایی به نفع گروهی خاص و بر علیه دیگران است. تروریسم در خلاء اتفاق نمی‌افتد بلکه فضا مندم بوده و در معنای کلاسیک در یک واحد جغرافیایی محلی ملی و یا منطقه‌ای دست به وحشت‌آفرینی می‌زند. پدیده تروریسم و گستره و جغرافیای آن هم در جهان اسلام و هم در غرب تاریخچه و پیشینه طولانی‌ای دارد. از طرف دیگر منابع حقوق اسلامی و قواعد حقوق بین‌الملل نیز هر کدام با ادبیات متفاوت به پدیده تروریسم نگریسته‌اند. هدف این مقاله عبارت است از تحلیل جغرافیایی-حقوقی تروریسم در غرب و جهان اسلام بر اساس آموزه‌های اسلامی و قواعد حقوق بین‌الملل. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که قلمرو جغرافیایی تروریسم در جهان اسلام و غرب در چه مناطق و کشورهایی بوده و این که آموزه‌های اسلامی و قواعد حقوق بین‌الملل این پدیده را چگونه تفسیر کرده‌اند؟ روش تحقیق مقاله توصیفی تحلیلی است که در آن سعی خواهد شد با استفاده از مقالات علمی و پژوهشی و نیز منابع کتابخانه‌ای به تحلیل و تبیین موضوع پژوهش پرداخته شود. نتایج مقاله نشان می‌دهد که پدیده تروریسم بر خلاف ادعای رسانه‌های غربی هم در غرب و هم در جهان اسلام به کم و بیش فراوانی داشته و آموزه‌های اسلام و حقوق بین‌الملل نیز هر چند با ادبیات متفاوت این پدیده را محکوم و مجازات‌هایی را برای عاملان در نظر گرفته‌اند؛ بنابراین تروریسم محصول فرهنگ و جغرافیایی خاص نیست و این که فتنه‌ها و سوء استفاده عوامل خارجی بیشتر از انگیزه‌های داخلی در خیزش آن نقش داشته است.

واژگان کلیدی: تروریسم، تحلیل جغرافیایی - حقوقی، جهان اسلام، حقوق بین‌الملل.

مقدمه

تروریسم یکی از چالش‌ها و پدیده‌های شوم مطرح در جامعه بین‌الملل است که تهدید جدی برای امنیت روحی و روانی جامعه جهانی، جان، مال و آزادی افراد و حرمت اماکن مقدس محسوب می‌شود و از منظر جامعه بین‌الملل و حقوق بین‌الملل چالش‌های بسیار مهم و اساسی در روابط بین‌المللی بین کشورها ایجاد می‌نماید. در طول تاریخ می‌توان مصادیقی را از این واژه مورد اشاره قرار داد: در سال (۷۳-۶۶ م) تروریسم سیکاری رخ داد که در آن سیکاری‌ها، یک فرقه‌ی بسیار سازمان یافته‌ی مذهبی، مرکب از مردان مراتب پایین اج‌تماع یهودیان فلسطین باستان بودند که در مبارزه‌ی متعصبان مخالف سلطه‌ی رومیان در فلسطین فعال بودند و سلاح آن‌ها خنجر یا دشنه‌ای کوتاه بنام سیکا بود (آشوری، ۱۳۹۴).

تروریسم دوران نو را با تروریسم سیستماتیک نیمه‌ی دوم قرن ۱۹ اروپا معرفی می‌کنند که موارد آن متعدد است. تروریسم جنبش روسی نارودنا یاولیا، به مفهوم اراده‌ی مردم هم‌نوعی ترور است که اعضای آن برخلاف دیگر انواع انقلابیون، پردازنده و هوادار نوعی فلسفه‌ی ترور شخصی بودند. تروریسم ایرلندی، توسط جمهوری خواهان ایرلند شکل گرفت با فعالیت‌هایی چون دینامیت کاری و کشتار و پارک فونیکس؛ در اروپای شرقی نیز این واژه در ۱۸۹۰ برای مثلاً: تروریسم ارمنی‌ها بر ضد سرکوبگری‌های ترک بکار رفت که با فاجعه‌ی قتل عام ارمنیان در جنگ جهانی اول تمام شد و قتل رهبران نظامی ترک و سفرای ترکیه در اتریش و فرانسه منسوب به آن هاست و هم‌چنان فعالیت این گروه ادامه دارد. تروریسم آنارشیست‌ها در ۱۸۹۰ با عنوان تبلیغ عملی بود که به نظرشان بهترین راه متحقق ساختن تغییرات سیاسی-اجتماعی انقلابی، قتل کسانی است که در مناصب قدرت‌اند. دهه‌ی ۱۸۸۰ و سده‌ی بیست عصر سوءقصد به جان دولت مردان اروپا و آمریکا بود، از جمله گارفیلد، مک‌کنیلی در آمریکا و تلاش برای کشتن بیسمارک و ویلهلم اول در آلمان و قتل کارنور در فرانسه و آنتونیو کائوواس نخست وزیر اسپانیا و الیزابت امپراتریس و امبرتو پادشاه ایتالیا. تروریسم کارگری در ایالات متحده و تروریسم در شبه جزیره‌ی ایبری که در آن آنارشیسم تروریستی موجب مبارزات مرگ بار و سوءقصدهایی شدند، از نمونه‌های دیگر تروریسم در تاریخ (حاجیان و ضمیری، ۱۳۸۹).

تروریسم راست‌گرا بعد از جنگ جهانی اول، مفهوم پیدا کرد و تا آن زمان این ویژگی را متعلق به گروه‌های چپ می‌دانستند از جمله‌ی این‌ها کروات‌ها بودند که به ترور هم‌زمان پادشاه یوگسلاوی و نخست وزیر فرانسه در زمان دیدارشان اقدام کردند. این پدیده نامیمون، عمری به درازای حیات انسان در کره‌ی خاکی دارد و به اشکال مختلفی در طول تاریخ بروز و ظهور نموده است. یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی گروه‌های دینی و مذهبی و حکومت‌های دینی و مذهبی همانند حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران این است که کشورهای استعمارگر و حامی اصلی و واقعی و مروجان تروریسم در جهان و جامعه جهانی، احکام و فرامین و آموزه‌های دین اسلام را یکی از ریشه‌های ترویج پدیده تروریسم مطرح نموده و نقدن غنی اسلامی را یک تمدن حامی خشونت دانسته و تهدیدی برای جامعه جهانی معرفی می‌کنند و عقبه حوادث و رویدادهای تروریستی معاصر را تفکرات و اندیشه‌های اسلامی اعلام می‌نمایند (حاتمی، ۱۳۹۰: ۲۵) اقدامات گروه‌های افراطی به ظاهر اسلام‌گرا مانند القاعده که در مغرب اسلام‌ی، در عین‌حال‌ها‌ی بنی‌مورتنائی، مالی و الجزای فعالیت می‌کردند و هزینه‌های فعالیت خود را از راه باج‌گویی، آدم‌ربایی و

قاچاق مواد مخدر به دست می‌آورند (Miguel del Cid Gómez, 2014:12) یا حزب کارگران کردستان (PKK) که به قاچاق مواد مخدر می‌پرداختند (Haigner, et.al, 2012:19) گروه تکفیری داعش در سوریه و عراق را به عنوان مستند ادعای خود مطرح می‌نمایند و جمهوری اسلامی ایران را حامی گروه های تروریستی دانسته و از ابزارهایی همانند تحریم، تخریب و تهدید علیه ایران یا حزب الله لبنان یا دولت سوریه اقدام می‌نمایند؛ شورای امریت با تصویب قطعنامه ۲۱۹۹ در فوریه ۲۰۱۵ از تحریم‌ها به عنوان ابزار بسط مهم در جنگ علیه تروریسم و بازگرداندن صلح و امریت بین‌المللی یاد می‌کند (S/RES/2199, 2015) و به استناد حمایت از گروه‌های تروریستی تحریم‌های متعددی علیه ایران یا حزب‌الله لبنان یا دولت سوریه وضع نموده و به روش‌های متعددی دولت‌های ایران و سوریه را تهدید می‌کنند. برای رفع این دغدغه مهم و اساسی و مقابله و مبارزه با این چالش و تهدید مطرح شده باید بررسی نمود آیا دین اسلام و مذاهب اسلامی به عنوان یک عامل مثبت در ظهور اقدامات خشونت‌بار تروریستی قرار می‌گیرند؟ آیا این باور که فداکاری و ایثار و شهادت طلبی در راه خداوند به منظور حفظ و صیانت دین اسلام و فدا کردن جان و به شهادت رسیدن و احیای امر مقدس جهاد اسلامی می‌تواند ترویج تروریسم و خشونت علیه بشریت محسوب شود؟ آیا دستیابی به یک هدف والا، پدیده تروریسم و خشونت علیه بشریت را تجویز و توجیه می‌کند؟ «جهاد اسلامی» و «شهادت و روحیه شهادت طلبی» مفاهیمی است که یکی از جلوه‌های بیرونی دین اسلام و پیروان این دین را در جامعه بین‌الملل به تصویر می‌کشد. آیا جهاد اسلامی و روحیه شهادت طلبی که یک خشونت مجاز به منظور دفاع از دین و خود محسوب می‌شود، از مصادیق تروریسم است؟ آیا از منظر دین مبین اسلام به ویژه مذهب حقه تشیع خشونت‌هایی که از مصادیق پدیده شوم تروریسم محسوب می‌شود، مجاز شناخته شده و جایز است؟ اگر مصادیق تروریسم مجاز شناخته نشده است در خصوص ممنوعیت اقدامات تروریستی و مقابله با آن‌ها دین اسلام چه راهکارهایی را ارائه می‌کند. دغدغه و چالشی که امروزه بشرویی دولت‌ها و گروه‌های اسلامی است، شبهاتی است که توسط معاندین مطرح می‌شود و آن عبارت است از اینکه احکام و فرامین اسلامی را زمینه ساز و مؤید اقدامات تروریستی افراد به ظاهر مسلمان افراطی اعلام می‌نمایند. هدف اصلی این قدرت‌ها از بیان این شبهات، این است که به اسم مبارزه با تروریسم مدرنیزاسیون و نوسازی خود اسلام صورت پذیرد (Zob, 2004:42) با توجه به اینکه دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین و آخرین دین الهی خود را معرفی می‌نماید، در آموزه‌های این دین هیچ حکم ضد حقوق بشری دیده نمی‌شود و در فرامین این دین اعمال و اقدامات تروریستی متروک است و «جهاد اسلامی» و «شهادت و روحیه شهادت طلبی» صرفاً به دلیل دفاع از کيان و ناموس اسلام تجویز شده است و مجاهدان از احترام ویژه‌ای در آموزه‌های اسلام برخوردارند، در احکام اسلامی جهاد ابتدایی ممنوع است و جهاد دفاع و تدافعی مقدس و ممدوح شمرده شده است. این پژوهش پس از تعریف تروریسم از منظر دین اسلام و آموزه‌های اسلامی و تعریف از منظر حقوق بین‌الملل، رویکرد دین اسلام و آموزه‌های اسلامی در مبارزه با تروریسم را بررسی و به روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌نمایم که اقدامات تروریستی مسلمان‌نماهایی افراطی که تهدید جدی علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند، منبعت از احکام اسلام نیست بلکه انحراف از مفاهیم و فرامین اسلامی است. در این پژوهش دو سؤال اساسی مطرح است: ۱- در احکام و فرامین و آموزه‌های اسلامی اقدامات تروریستی چه جایگاهی دارد؟ ۲- «جهاد اسلامی» و «شهادت و روحیه شهادت طلبی» چه رابطه‌ای با اقدامات تروریستی دارد؟

در پاسخ به این دو سؤال دو فرضیه قابل طرح است: ۱- دین اسلام و آموزه‌ها و احکام اسلامی هر نوع خشونت را ناروا دانسته و تحت عناوین گوناگون مجازات نموده است. جرم بودن بغی، ممنوعیت فتک، منع غیله و اغتیال، جرم بودن محاربه از یک سوی و صلح‌طلبی و سفارش بر حفظ امنیت و رعایت اخلاق اسلامی و دستور به وفای به عهد در معاهدات بین‌المللی، بیانگر ممنوعیت هر نوع اقدام تروریستی از منظر اسلام است. ۲- در دین اسلام و آموزه‌ها و احکام اسلامی «جهاد اسلامی» و «شهادت و روحیه شهادت‌طلبی»، به دلیل تدافعی بودن حکم جهاد و ممنوعیت جهاد ابتدایی، خشونت مشروع و قانونی محسوب می‌شود و به عنوان اقدام تروریستی محسوب نمی‌شود.

رویکرد نظری و مفهومی

در مکتب اسلام، چیزی به نام تروریسم وجود ندارد و تروریسم به عنوان یک مکتب، اولین بار در اروپا شکل گرفته است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۰: ۱۳). بعد از جنگ جهانی دوم مفهوم تروریسم به شکل امروزی توسعه یافت (محمدی بحرانی، ۱۳۹۰: ۱۸) گروگان‌گیری و ترور شخصیت‌ها در طول قرن بیستم حضور پررنگی داشت و به نوعی نسل اول تروریسم با تاریخ قرن نوزدهم و بیستم عجین است. اقدامات خشونت‌آمیز نیز گروه منتسب به طالبان و القاعده در سال ۲۰۰۱ نسل دوم تروریسم را وارد ادبیات سیاسی جهان کرد (مولایی، ۱۳۹۳: ۱۸۱) ارائه معادلی برای ترور و تروریسم از فرهنگ و آموزه های اسلامی نیز در زمره دغدغه های صاحب‌نظران اسلامی بوده است بررسی مطالعات انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که تاکنون برای کلمه ترور چند معادل فتک، غیله، بغی، محاربه ارائه شده است؛ که در ذیل به‌تعریف اجمالی آن‌ها می‌پردازیم:

۱- بغی

در عرف متشرعه خروج از اطاعت امام معصوم (نجفی، ۱۳۸۴: ۳۲۲) مشروط به خروج از کنترل حاکمیت (طوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۵) داشتن تأویل و تفسیر موجه برای رفتار (حلی، ۱۴۱۹ ه.ق: ۴۰۷) و شوکت و اقتدار در گروه (طوسی، ۱۳۸۶: ۲۶۴) بغی نامیده می‌شود. برخی با توجه به شروط مذکور در فقه در خصوص باغی، بغی را چنین تعریف کرده‌اند: «بغی عبارت است از توسل به قوه قهریه و امتناع از تن دادن به فرامین حاکم اسلامی، به‌وسیله گروهی مقتدر از مسلمانان که برای رفتار قهرآمیز خود، توجیه و تأویلی دارند.» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۲۴) بنا به این تعریف بغی یکی از مصادیق جرم سیاسی تلقی می‌شود (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۱۰۲) و برخی مترادف دانستن بغی در فقه با جرم سیاسی را صحیح نمی‌دانند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۴: ۵۶)

۲- فتک

برخی از اهل لغت آورده‌اند «فتک به معنای این است که کسی بر همراه خود وارد شود و در حالی که او غافل است، به‌طور ناگهانی او را به چنگ اندازد و به قتل برساند» (الجوهری، ۱۴۰۷ ه.ق: ۱۶۰۲) برخی دیگر آورده‌اند «فتک عبارت است از اینکه شخصی به صورت ناگهانی به دیگری حمله برده و او را به قتل برساند.» (ابن الاثیر، ۱۳۸۴: ۴۰۹) در ادبیات و اشعار عرب نیز از قتل حضرت علی (ع) به دست ابن ملجم به فتک تعبیر شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۷۱-۴۷۲) در اصطلاح فتک را چنین تعریف کرده‌اند: «فتک این است که بر کسری غفلتاً یورش ببرند و او را

بکشند، خواه با سلاح باشد یا نباشد، در امور سیاسی باشد یا نباشد» (مرعشی، ۱۳۸۰: ۲۸) برخی معتقدند می توان فتک را مفهومی نزدیک به تروریسم دانست (محمدی (بحرانی)، ۱۳۹۰: ۵۴).

۳- غیله

در کتاب‌های لغت غیله به کسر غین را عبارت از این می‌دانند که کسی دیگری را فریب دهد و او را به مکان خلوتی راهنمایی کرده و هنگامی که به آن مکان رسید، او را به قتل برساند (ابن منظور، ۲۰۰۵: ۵۱۲؛ الجوهری، ۱۴۰۷ ه. ق: ۴۰۹؛ فتح الله، ۱۴۱۵ ه. ق: ۲؛ فلعه چی ۱۴۰۸ ه. ق: ۷۸) در فتک و غیله حمله ناگهانی و غافل گیری مقتول وجود دارد ولی بین فتک و غیله یا اغتیال دو تفاوت دیده می‌شود.

۱- در فتک به شخص مقتول نوعی امان و اطمینان خاطر داده می‌شود ولی بعد او را مورد حمله غافلگیرانه قرار می‌دهند، اما در غیله به مقتول امان و اطمینان خاطر داده نشده است.

۲- غیله در مکان پنهانی انجام می‌شود ولی فتک هم در مکان پنهانی و هم در مکان علنی انجام می‌گیرد.

۳- در فتک مقتول قاتل را می‌شناسد ولی در غیله مقتول قاتل را نمی‌شناسد.

بنابراین رابطه فتک و غیله عموم و خصوص من وجه است (منتظری، ۱۳۸۷: ۷۶) ممنوعیت غیله تا جایی است که قتل مهدورالدم نیز به صورت غیله در روایات منع شده است و روایت اسحاق انباری که اغتیال را مجاز دانسته است، هم از نظر سند مخدوش بوده چرا که اسحاق انباری مجهول است و محمد بن عیسی بن عبید هم که ناقل روایت از او است جزء غلات است. هم ضعف سندی دارد چرا که در کتاب روایی معتبری نقل نشده است و همچنین با فرض اغماض نسبت به دو ایراد قبلی، مضمون روایت به یک مسئله استثنائی برمی‌گردد (منتظری، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۶) از جمله موارد استثنایی می‌توان به سبب النبی که بر اساس دیدگاه مشهور فقهای شیعه، مجوزی برای قتل وی وجود دارد، (نجفی، ۱۳۸۴: ۴۳۸) اشاره نمود؛ اما در عصر تشکیل حکومت اسلامی بسیار بعید به نظر می‌رسد که فقها چنین اختیاری برای عموم مردم قائل بدهند (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۱۵-۱۲۴)

۴- محاربه

تعاریف متعددی از محاربه از منظر فقها و اندیشمندان جهان اسلام ارائه شده است. حضرت امام خمینی قدس سره معتقدند: «محارب آن کسی است که سلاح بکشد و او آن سلاح را برای ترساندن مردم آماده کرده باشد و قصد او ایجاد فساد در زمین باشد، خواه عمل او در خشکی باشد یا در دریا، در شهر باشد یا بیرون از شهر، شب باشد یا روز» (امام خمینی ره، ۱۳۸۷: ۴۹۲) برخی دیگر محارب را کسی می‌دانند که «سلاح برکشد و از تبهکاران باشد، خواه در شهر باشد یا خارج از شهر، در سرزمین‌های اسلامی باشد یا غیر اسلامی، در شب باشد یا روز» (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۲۰) برخی در تعریف محاربه آورده اند: «کشیدن سلاح و یا نمایش هرگونه ابزار خشونت بار (مانند آلودگی با سموم)، به منظور ایجاد هراس عمومی (افساد فی الارض)» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

آنچه از تعاریف فوق الذکر برداشت می‌شود این است که سلاح کشیدن و ایجاد ترس و وحشت کردن مختص شهرها و سرزمین‌های اسلامی نیست هر زمان و مکانی این اقدام انجام شود محاربه محسوب می‌گردد؛ بنابراین

بسیاری از مصادیق جرم‌های تروریستی مثل غارتگری، گروگان‌گیری، آدم‌ربایی، هواپیماربایی، کشتار غیرنظامیان بی‌گناه، بمب‌گذاری محاربه محسوب می‌شود.

مفهوم لغوی تروریسم

برخی ترور را از ریشه لاتین ترس به معنای ترساندن و وحشت و ترس دانسته‌اند (باتر و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۹). برخی دیگر ترور را به معنی هراس و هراس افکنی دانسته‌اند (آشوری، ۱۳۹۴: ۹۹) در زبان فارسی تروریسم را به معنای ترس شدید، وحشت، دلهره و تهدید غیرعادی و دور از انتظار بیان نموده‌اند (حیم، ۱۳۹۳: ۵۸۵؛ حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۷۵۷) برخی واژه تروریسم در لغت فارسی را به معنای دهشت افکنی به کار برده‌اند (هاشمی، ۱۳۹۰: ۳۳) برخی معتقدند واژه ترور از فرانسه اقتباس شده است و به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه است و این کلمه در فرانسه به معنی وحشت و خوف آمده است؛ بنابراین تروریسم اصل حکومت وحشت و فشار است (دهخدا، ۱۳۷۸: ۸۵۳) برخی معتقدند در زبان عربی تروریسم را ارهاب می‌گویند که مشتق از فعل (رهب، یرهب، رهبه) بوده و به معنی ترس، دلهره و وحشت است (ابن منظور، ۱۳۸۴: ۲۴۹) در زبان عربی برای کلمه «تروریسم» کلمه «الارهاب» به معنی خوف، خشونت و سختگیری به کار رفته است که کلمه رهب و مشتقات آن در قرآن کریم چندین بار از جمله در آیه ۴۰ سوره بقره، آیه ۶۰ سوره انفال، آیه ۱۳ سوره حشر به کار رفته است (حاجیانی و ضمیری، ۱۳۸۹: ۱۸) در زبان عربی واژه ارهاب در سال‌های اخیر به معنای تروریسم به کار رفته است ولی در گذشته ارهاب به معنای تروریسم استعمال نشده است (محمدی (بحرانی)، ۱۳۹۰: ۷).

مفهوم اصطلاحی

نزدیک به صد تعریف از تروریسم ارائه شده است ولی همچنان مفهوم روشنی از آن در دست نیست (هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۰) از جمله تعاریف ارائه شده عبارت‌اند از:

- تروریست کسی است که برای رسیدن به اهداف خویش به خشونت و یا تهدید متوسل می‌شود. همچنین تروریسم را کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در اشخاص یا اصناف و طبقات معین و یا همه مردم کشور دانسته‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

- کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت - ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد (حاجیانی و ضمیری، ۱۳۸۹: ۱۸).

- به عنوان وسیله‌ای برای سرکوب علیه استقلال‌طلبی‌ها، نفی وابستگی‌ها و محرومیت‌ها، ایستادگی در برابر زورگویی ابرقدرت‌ها و قیام‌های مردمی در برابر رژیم‌های استبدادی وابسته - به کار گرفته می‌شوند و در عین حال، پوششی هستند برای شیوه‌های تهدید و ارعابی که ابرقدرت‌ها برای پیشبرد سیاست‌های سلطه‌گرانه و تجاوزگرانه خود در جهان به وجود آورده‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۴۲۵).

- فرد یا گروهی که با توسل به شیوه‌های خشن، غیرمعارف و غافلگیرکننده، جان و مال و امنیت عمومی را در معرض تهدیدات جدی قرار داده و موجب ایجاد ترس و وحشت عمومی می‌شود (شاملو، ۱۳۸۰: ۱۳۰).

- «کاربرد مکرر خشونت با انگیزه سیاسی به همراه قصد ارباب به وسیله عاملان غیردولتی که بر بیش از یک دولت اثر می گذارد» (ره‌پیک، ۱۳۸۱: ۲۵۱).
- تروریسم به معنای ایجاد رعب و وحشت در جامعه برای رسیدن به یکسری اهداف، از موضوعات بسط مهم عصر حاضر است (الهویی نظری؛ فامیل زوار جلالی، ۱۳۹۶: ۷۴۴).
- «قصد ایجاد رعب و وحشت برای رسیدن به مقاصد خاص» (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۲۱).
- عملی نهادینه ولی نامعمول که به منظور تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی خاصی انجام می گیرد و همواره با کاربرد تهدید یا خشونت همراه است (Thronton, 1964:77).
- الگوی نظام یافته‌ای از رفتار خشونت آمیز که به نوعی طراحی شده است تا جمعیتی تهدید شوند و بدین ترتیب سیاست‌های دولت خاصی تحت تأثیر قرار گیرد (Lodge, 1981:5).
- تهدید و بی‌استفاده از خشونت، اغلب بر ضد شهروندان برای دستگیری به اهداف اجتماعی بی‌سکری برای ترساندن مخالفان بی‌احقاد ناراضحی عمومی (Bayhis, Smith, 2005: 481).
- استفاده از زور، خشونت با تهدید به منظور کسب اهداف سیاسی از طریق ایجاد وحشت، ارباب و قوای قهریه (Lander, 1981: 3).
- تقریباً ارتکاب هر عمل غیرقانونی که برای نیل به اهداف سیاسی صورت پذیرد (Sobel, 1975:3).
- خشونت با انگیزه سیاسی که توسط گروه‌های کوچکی صورت می پذیرد که مدعی نمایندگی همه توده‌های مردم هستند (Rubenstein, 1997:7).
- مفهوم تروریسم در اسناد بین‌المللی**
- در خصوص تروریسم در اسناد بین‌المللی تعریف جامع و مانعی که مورد پذیرش همه کشورها باشد، ارائه نشده است؛ اما بعد از حادثه یازدهم سپتامبر تلاش فراوانی صورت گرفته است که اجماع جهانی برای مبارزه با تروریسم به وجود آید. در اسناد بین‌المللی متعدد تروریسم تعریف شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
- «تروریسم عبارت است از روا دانستن اقداماتی که دارای ماهیت ایجاد وحشت در اذهان عامه و گروه‌های انسانی است.» (ماده ۲۴ مقررات مربوط به جرائم بین‌المللی کنوانسیون حقوق بین‌الملل (U.N.GADR, 1991).
- «فعالیت‌های مجرمانه و خشونت آمیزی که گروه‌های سازمان یافته برای ایجاد رعب و وحشت انجام می دهند تا به این ترتیب نیل به اهداف به اصطلاح سیاسی را میسر سازد.» (بوسار، ۱۳۷۷: ۲۰).
- «تلاش‌هایی با هدف ایجاد تحولات در حکومت، اخلال در ارائه خدمات عمومی، مسموم ساختن روابط بین‌الملل با قتل رؤسای دولت‌ها یا نمایندگان حکومت‌ها، تخریب ابنیه، تسهیلات و ارتباطات عمومی، ایجاد آلودگی در غذا یا آب و تحریک بیماری‌های واگیر» (Schlagheck, 1987:120).
- «اگر شخصی به صورت غیرقانونی عامدانه مواد انفجاری را بر ضد اماکن عمومی، تأسیسات دولتی، سیستم حمل و نقل یا تأسیسات زیربنایی به کار برد یا به قصد ایجاد کشتار، ایراد صدمات جانی یا وارد کردن خسارت شدید به چنین تأسیساتی، مواد انفجاری را مورد استفاده قرار دهد یا تلاش به استفاده از آن‌ها بنماید، تروریست محسوب می‌شود.» (شاملو احمدی، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

از جمله نکات مشترک تعاریف فوق می‌توان قصد ایجاد و رعب و وحشت و سازمان یافتگی (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۳) و خشونت بار بودن عمل تروریستی علیه شهروندان (شریعتی، ۱۳۹۴: ۵۶) را برشمرد. از تعاریف راجع به تروریسم می‌توان وجوه اشتراک زیر را استنباط کرد: ۱- خشونت تروریسم غیرقابل پیش‌بینی است. ۲- قربانیان تروریسم غالباً ارزش نمادین دارند. ۳- تروریسم مشتمل بر کاربرد خشونت یا تهدید به خشونت است. ۴- تروریست‌ها دارای اهداف سیاسی هستند که غالباً می‌توانند متنوع باشند. ۵- تروریسم مسئله پیچیده‌ای است. ۶- تروریسم در پی تبلیغات جنگ روانی و نشر ایده خاصی است.

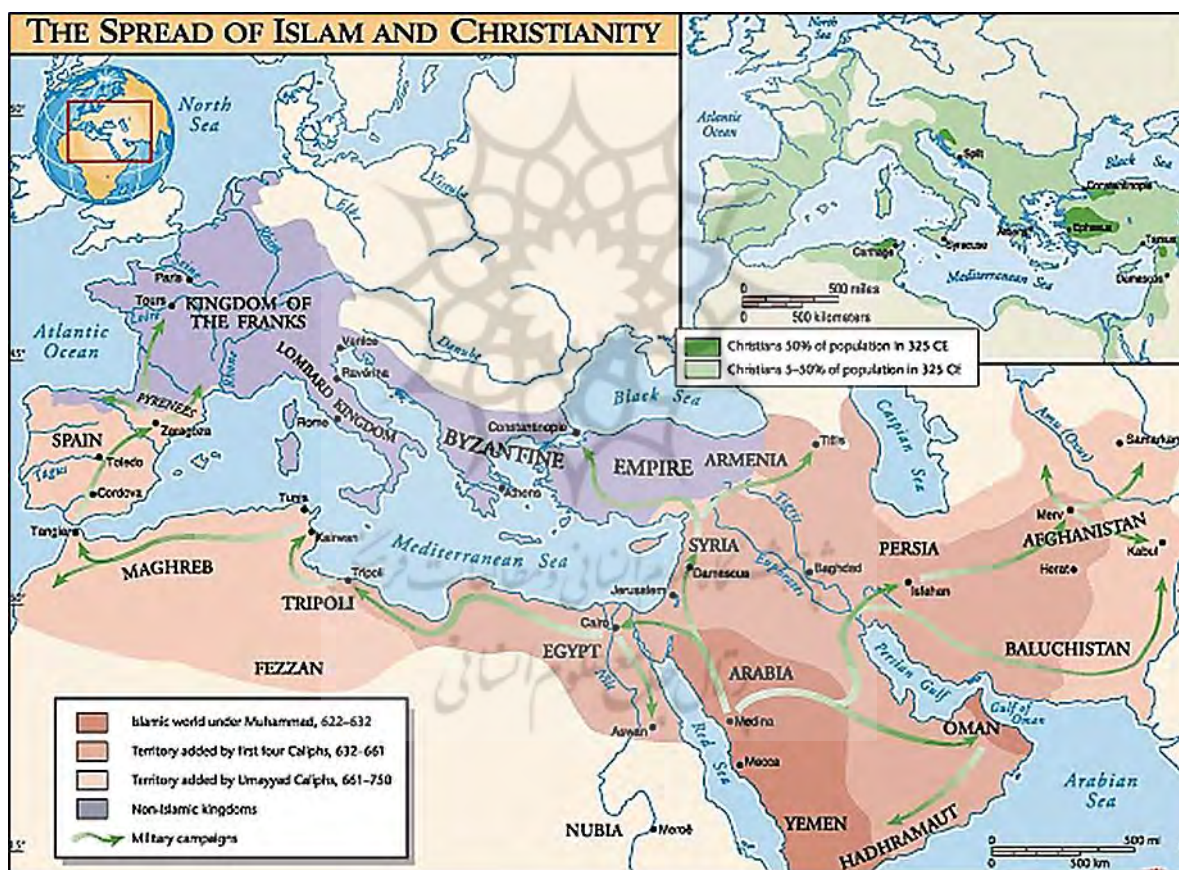
تاریخچه تروریسم در محیط جغرافیایی غرب

تروریسم در عرصه جهانی اتفاق جدیدی نیست. تاریخ کشورهای مختلف مملو است از اقدامات تروریست گونه که با وحشت و فشار سعی در دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی و شخصی خود داشته‌اند. در تاریخ بشر نمونه‌های بسیار زیادی از ترور را می‌توان مشاهده نمود که با تعاریف یادشده همخوانی ندارد. بگذارید این ترورها را ترور سنتی بنامیم. ترورهایی که عمدتاً شاه، رهبر و یا شخصیت‌های خاصی را مورد هدف قرار می‌داد و هدف از ترور حذف فیزیکی آن شخص بود. این نوع ترور در کل تاریخ بشر از سوی افراد و گروه‌ها بکار گرفته می‌شده است (ره-پیک، ۱۳۸۱). چند قرن گذشته سازمان‌هایی چون بریگاد سرخ در ایتالیا، گروه‌هایی قوم‌گرا و سازمان‌هایی کاملاً تروریستی بودند که با اهداف انقلابی اقدام به ترور اشخاص و گروه‌ها به صورت مسلحانه می‌نمودند. البته باید اقدامات نژادپرستانه آمریکا بر علیه سرخ‌پوست‌ها، سیاه‌پوست‌ها و در مرحله‌ای حتی بر علیه یهودیان را نیز در نظر گرفت که شکل دهنده حکومت وحشت و ترور در تاریخ این کشورها بوده است. به عنوان مثال پس از ورود اروپائیان به آمریکا در قرن ۱۷ آن‌ها با فرض وحشی تلقی نمودن بومیان آمریکا آن‌ها را به صورت قتل عام‌های دسته جمعی از بین می‌بردند (هاشمی، ۱۳۹۰).

تاریخ ترور با انقلاب فرانسه وارد دوران جدیدی گردید و در این برهه ما با ترور مدرن روبرو می‌گردیم. پس از انقلاب فرانسه ترور به شکل نظام مندی علیه بخشی از شهروندان فرانسه به کار گرفته شد و می‌توان ریشه‌های تروریسم دولتی را در آن ردیابی نمود. ترور در این مرحله اصطلاحی است که از کلمه terror به معنای وحشت و ترس اخذ گردیده است و به نظام و رژیم مرتب با وحشت اطلاق می‌شود. پری موراتز درباره کاربرد این اصطلاح در این دوره می‌نویسد: ترور اولین بار توسط ژاکوبین‌ها وضع گردید و این کلمه برای توصیف اعمال خود آن‌ها بکار رفت البته بدون معنای منفی‌ای که این واژه دارد (آزمایش، ۱۳۸۰). درواقع منظور ژاکوبین‌ها از تروریسم هرگونه خط مشی و یا نحوه‌ی عمل سفت و سخت علیه دشمنان در برمی‌گرفت. دومین موج ترور مدرن با ترورهای بی‌شماری که چپی‌ها و کمونیست‌های سرخورده در سده بیستم میلادی به انجام رساندند بروز یافت. آنچه طرفداران مارکسیسم را به ترور ترغیب نمود شکست‌هایی بود که نظریه‌ی انقلاب خودجوش توده‌ای به آن دچار شده بود. طبق یک نوع قرائت مارکسیستی، پرولتاریا در کشورهای صنعتی تر روز به روز به وضعیت نابسامان تری دچار خواهند شد و ستم سرمایه‌داران عرصه را بر کارگران بیشتر تنگ خواهد نمود در نتیجه کارگران در کشورهای صنعتی انقلاب خواهند کرد. برخلاف چنین پیشگویی‌هایی وضعیت کارگران تا اندازه‌ای بهبود یافت هم به لحاظ دستمزدهای دریافتی و هم از منظر تعداد ساعاتی که برای کار صرف می‌کردند، در برخی کشورهای نظیر انگلیس و آمریکا دولت رفاه شکل

گرفته بود. در نتیجه‌ی اصلاحاتی که در نظام سرمایه داری به وجود آمده بود برخی انقلابات شکست خوردند و در برخی از کشورها هیچ‌گونه رخدادی که نشان‌دهنده انقلاب باشد دیده نمی‌شد بنابراین برخی از حلقات مارکسیستی از دیدگاه انقلاب خودجوش پرولتاریایی انصراف کردند و به این دیدگاه متمایل شدند که ترور می‌تواند به مثابه یک راه‌حل انقلابی برای براندازی نظام سرمایه‌داری مفید واقع شود (اردطی، ۱۳۸۰).

این پدیده از اوایل دوران معاصر به صورت واضح خودنمایی کرد، ابتدا پس از جنگ جهانی اول و سپس بعد از جنگ جهانی دوم چنان‌که گروه‌های صهیونیستی سعی در رعب افکنی در فلسطین داشتند و در بین آن‌ها می‌توان به دو گروه اشترن و هاگانا و از جمله کشتارهای آن‌ها می‌توان به کشتار معروف (دیر یاسین) اشاره کرد. پس از برپایی دولت اسرائیل هم سلسله‌ای از جنگ‌ها و اعمال خشونت‌بار بین اعراب و صهیونیست‌ها در گرفت که اسرائیل در طی آن انواع و اقسام رعب افکنی و تروریسم و تعدی مسلحانه و کشتار دسته جمعی به کار گرفت و تا همین لحظه هم به استفاده از این روش‌ها ادامه می‌دهد (جلالی، ۱۳۸۴).



نقشه ۱: حوزه‌های جغرافیایی غرب و اسلام

منبع: <http://satuwarna.me>

با توجه به این، روشن می‌شود که تروریسم؛ ممکن است از طرف سازمان‌ها یا احزاب یا مذاهب یا قومیت‌ها یا حکومت‌ها و یا افراد مختلف به کار گرفته شود. کما این‌که مثال‌های متعدد آن را نشان می‌دهد و هرکس تروریسم را منحصر به یک دین خاص یا یک مذهب خاص یا یک حکومت خاص یا یک قومیت خاص بشمرد، از حقیقت و واقعیت دور افتاده است (جلالی، ۱۳۸۴).

از جمله مثال‌هایی که در طول تاریخ قدیم و جدید رخ داده و این مسئله را ثابت می‌نماید می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- اعدام بیش از یک میلیون مسیحی به دست اشغالگران رومی در مصر پیش از فتح این منطقه به دست مسلمانان؛

۲- نسل‌کشی ۷۰ هزار مسلمان در قدس هنگامی که ارتش های صلیبی وارد این شهر شدند (آن هم پس از آن که فرمانده صلیبی به حيله، به آن‌ها وعده داده بود در صورت تسلیم آن‌ها را عفو کند). در مقابل صلاح‌الدین ایوبی هنگامی که قدس را فتح کرد صلیبی‌ها را عفو نمود؛

۳- به آتش کشیدن روم به دست نرون

۴- کشتارهای وحشتناک دو طرفه بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در اروپا

۵- نسل‌کشی ده‌ها میلیون آفریقایی در اثنای ربایش و کوچ دادن اجباری آن‌ها از آفریقا به آمریکا برای کار در اراضی کشاورزی آمریکا و کار برای اربابان سفید پوست. گفتنی است که مجازات هر کس که در مقابل بردگی و شکنجه و نابود کردن انسانیتش می‌ایستاد بدون هرگونه بازپرسی و محاکمه بلافاصله اعدام می‌شد (حاتمی، ۱۳۹۰).

۶- دو جنگ جهانی که در نتیجه آن‌ها بین ۶۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر کشته شدند

۷- بمباران اتمی دو شهر هیروشیما و ناگازاکی در ژاپن توسط هواپیماهای آمریکایی و کشته شدن ۲۵۰ هزار تن و دچار شدن میلیون‌ها تن دیگر به سرطان و دیگر بیماری‌ها به واسطه تشعشعات اتمی

۸- کشتارهای دیرپاسین و صبرا و شتیلا و مدرسه بحر البقر و قانا و اعدام ده‌ها هزار اسیر مصری در سال‌ها ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ به دست صهیونیست‌ها

۹- قتل ۲۵۰ هزار مسلمان بوسنیایی به دست صرب‌ها

۱۰- هدف قرار دادن بغداد و افغانستان و ویتنام با سلاح‌های حاوی اورانیوم و بمباران بیمارستان‌ها و مدارس و مراکز توزیع نان و آب و دیگر مراکز تجمع غیرنظامیان در عراق و افغانستان که موجب کشته شدن صدها هزار غیرنظامی شد (حسینی، ۱۳۹۱).

تروریسم در خاورمیانه

آن چه امروز تحت عنوان فعالیت تروریستی در قالب تحریکات ضد انسانی و قتل و ترور به دست گروه‌های شورشی در مناطقی از جهان در حال انجام است، میراث بازمانده از روش گروه‌های شورشی مورد حمایت آمریکا علیه رقیب شرقی خود، یعنی اتحاد جماهیر شوروی در میدان جنگ افغانستان طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ است. در واقع طی دو دهه یاد شده ایالات متحده آمریکا با هدف تضعیف جماهیر شوروی اقدام به تجهیز و ارسال تسلیحات گسترده برای گروه‌های شورشی تحت عنوان عرب-افغان علیه دولت مرکزی کابل نمود که دولتی هم پیمان با شوروی به شمار می‌رفت. عرب-افغان‌هایی که بعدها القاعده را شکل دادند و از دل القاعده دهه ۱۹۸۰، گروه تروریستی داعش در سال ۲۰۱۴ در عراق پدید آمد. بر این اساس آنچه امروز تحت عنوان بنیادگرایی اسلامی و تروریستی شناخته می‌شود میراثی برجای مانده از رقابت بلوک غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا علیه رقیب شرقی خود است (زرنشان، ۱۳۸۶).

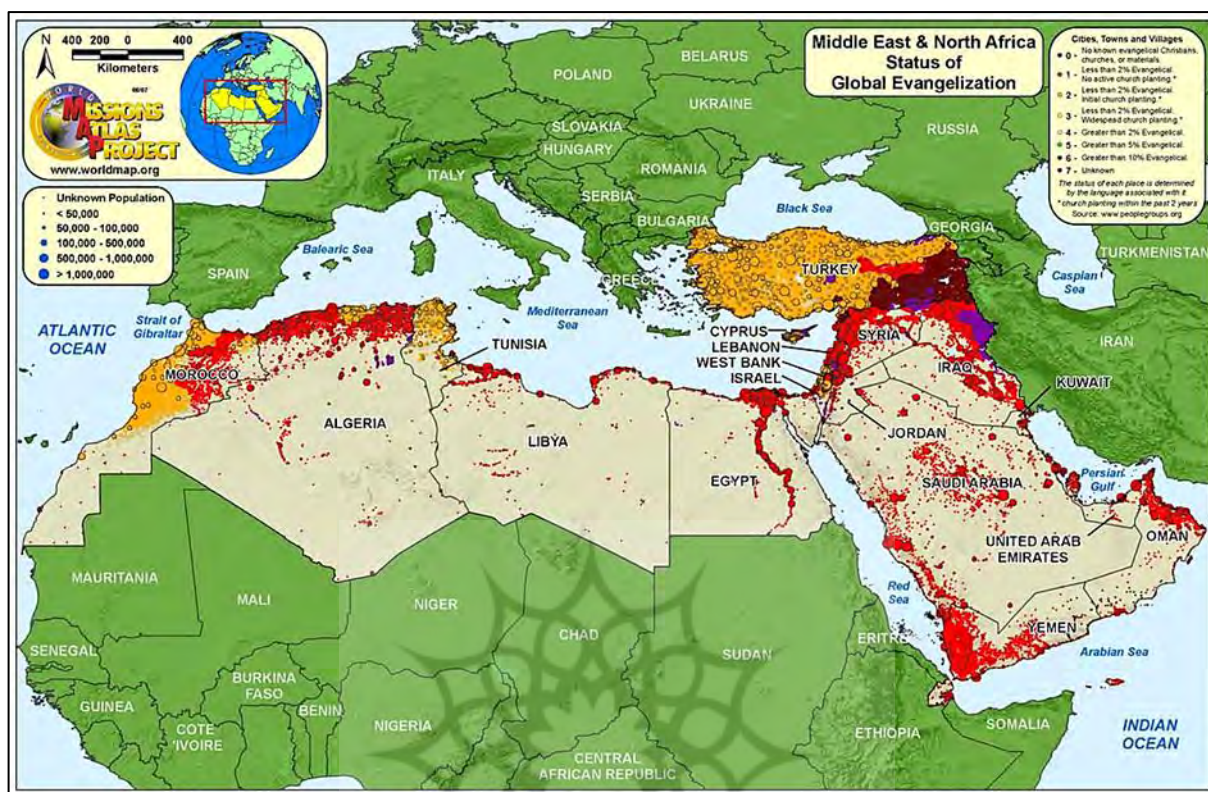


نقشه ۲: حوزه جغرافیایی خاورمیانه

منبع: <https://www.thegreatcoursesdaily.com>

ظهور گروه‌های جدید مذهبی در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی، شکل تازه‌ای از بنیادگرایی را به عرصه آورد که ضمن اینکه متأثر از اسلاف سلفی خود بودند و به نوعی ادامه ی جنبش‌های بنیادگرا در منطقه محسوب می شدند، اما شیوهی عمل آن‌ها نشان داد که این گروه‌ها مشی جدیدی در بنیادگرایی مذهبی در پیش گرفته‌اند. مشی خشونت‌آمیز و براندازانه ی این گروه‌ها باعث شد تا عنوان نوبنیادگرایی بر آن‌ها اطلاق شود. مهم‌ترین این گروه‌ها، القاعده بود (شاملو، ۱۳۸۰). القاعده گروهی است که طی جنگ افغانستان علیه شوروی، با حمایت نظامی-سیاسی آمریکا و پاکستان و کمک‌های مالی عربستان سعودی شکل گرفت. موفقیت‌های این گروه در جنگ افغانستان باعث شد در سال‌های بعد از سقوط شوروی، طالبان قدرت را در افغانستان در دست بگیرد. از اینجا سکوی پرش و موج گسترش این گروه به کل منطقه آغاز شد. عربستان سعودی نیز به دلایلی که در ادامه خواهد آمد، از گسترش این گروه حمایت کرد. خیزش‌های عربی عرصه ی تازه‌ای برای فعالیت گروه‌های نوبنیادگرا و حمایت عربستان از این گروه‌ها ایجاد کرد. در حال حاضر، دیگر بر کسی پوشیده نیست که دستگاه امنیتی عربستان سعودی تحت هدایت بندر بن سلطان، پشت عملیات‌های تروریستی در عراق، سوریه، لبنان و یمن است (شریحی و میرزاده، ۱۳۹۴). عربستان سعودی با پول‌های هنگفتی که از راه فروش حدود ده میلیون بشکه نفت در روز به دست می‌آورد، به محلی برای جمع‌آوری سرمایه ی لازم برای آموزش و رشد گروه‌های بنیادگرا تبدیل شده است و به تدریج دامن می‌زند. هم‌اکنون عرصه ی اقدام گروه‌های تروریستی نوبنیادگرا از خاورمیانه گذشته و به اروپا و روسیه رسیده است. تلاش عربستان برای حمایت از نیروهای وابسته به القاعده در کشورهای اروپایی و جمهوری‌های خودمختار روسیه، برای حضور در سوریه، عراق و لبنان (برای جنگ جهادی علیه کسانی که آن‌ها را کفار و منحرفین می‌نامند) باعث جذب این نیروها از اقصی نقاط جهان برای حضور در خاورمیانه شده است. انفجارهای اخیر در شهر ولگاگراد

روسیه و ایجاد فضای ناامنی قبل از برگزاری المپیک زمستانی سوچی در روسیه ، نشان از نفوذ عربستان و نیروهای تحت هدایت این کشور تا قلب روسیه دارد(مرعشی، ۱۳۸۰).



نقشه ۳: حوزه‌های جغرافیایی تروریسم
منبع: <http://www.worldmap.org>

شاخصه‌های مهم تروریسم

۱- ایجاد رعب و وحشت

گاهی مرتکب جرم ارتكابی ممکن است قصد ایجاد هراس و وحشت بین عموم مردم را داشته و عمل او نیز به گونه‌ای باشد که موجب رعب و وحشت بین مردم شود. گاهی مرتکب قصد ایجاد هراس و وحشت بین عموم مردم را داشته ولی عمل او به شکلی نیست که موجب رعب و وحشت بین عموم مردم شود. گاهی ممکن است مرتکب قصد ایجاد هراس و وحشت بین عموم مردم را نداشته ولی عمل او به گونه‌ای باشد که موجب رعب و وحشت بین مردم شود. گاهی ممکن است مرتکب قصد ایجاد هراس و وحشت بین عموم مردم را نداشته و عمل او به شکلی نباشد که موجب رعب و وحشت بین مردم نشود. فقط قسم اول از چهار قسم مذکور، مصداق تروریسم محسوب می‌شود، سه قسم دیگر مصداق تروریسم محسوب نمی‌شوند و ممکن است مصداق جرم‌های دیگر محسوب شوند. هدف تروریست‌ها همه انسان‌ها هستند و هیچ کس از حوزه ارباب و تهدید و خطر بیرون نیست و اهداف کور و مدون شناسایی دقیق و فارغ از تفاوت انتخاب می‌شوند (Wilkinson, 1992: 56) در حقیقت افراد ترور کننده انتظار دارند تا عملیات آنها بازتاب وسیعی در سطح جامعه داشته باشد در واقع، هدف قربانی نیست بلکه هدف عموم به مثابه یک کل است (Rapoport, 1992: 1062)

۲- سازمان یافته بودن تروریسم

آیا اگر فردی شخصاً مرتکب جرم می‌شود، آیا عمل او تروریستی تلقی می‌شود؟ آیا اگر مرتکب جرم به هر شکلی آن را انجام دهد آن عمل تروریستی تلقی می‌شود یا اینکه باید به شکل خاصی ارتکاب یابد تا تروریسم محسوب می‌شود؟ یا باید بین جرمی که به صورت فردی ارتکاب یافته با جرمی که به صورت سازمان یافته انجام گرفته است تفاوت قائل شد؟

برخی معتقدند: «جرم تروریسم، ممکن است انفرادی یا سازمان یافته باشد؛ البته جرم تروریسم را نباید با سازمان مجرمانه اشتباه کرد. سازمان‌دهی، ممکن است برای ارتکاب جرائم مختلف از جمله تروریسم صورت پذیرد؛ اما تروریسم، ممکن است بدون سازمان و به شکل انفرادی باشد.» (آزمایش، ۱۳۸۰: ۱۶۹) برخی دیگر چنین بیان داشته‌اند: «تروریسم ممکن است اقدامی جمعی و حتی سازمان یافته باشد. قانون جزای فرانسه از تمهیدات با عزم پیشین یا طرح معین که در یک رشته عملیات هماهنگ در جهت تأمین قصد خاص، متجلی است، سخن می‌گوید.» (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۲۱) برخی معتقدند اعمالی که به شکل سازمان یافته یا گروهی واقع شود، تروریسم محسوب می‌شود ولی جرائمی که به صورت فردی انجام شده است، جرم عادی است و تروریسم تلقی نمی‌شود. منظور از تروریسم، اعمال خشونت‌باری است که هم سازمان یافته بوده و با انگیزه سیاسی واقع می‌شود (میر محمد صادقی، ۱۳۸۰: ۱۱۵) مثلاً اگر فردی خودسرانه به یک مرکز خرید حمله کند و تعداد زیادی را تیرباران کرده و به قتل می‌رساند، تروریسم محسوب نمی‌شود.

از نظرات فوق این‌گونه استنباط می‌شود که عمل تروریستی باید از قبل طراحی شده باشد و تعداد مرتکبین این عمل تأثیری در تروریستی بودن آن عمل ندارد هرچند ممکن است تعداد مرتکبین یا شدت اعمال تروریستی در میزان مجازاتی که حکومت‌ها برای مرتکبین پیش‌بینی می‌کنند، تأثیر بگذارد؛ به عبارت دیگر سازمان یافتگی اعمال تروریستی به این معنا است که اقدام تروریستی با مقدمات و تمهیدات قبلی انجام پذیرد و بین حالتی که یک فرد با تمهیدات قبلی و یا یک گروه با تمهیدات قبلی اقدام به عمل تروریستی نموده‌اند، فرقی وجود ندارد.

۳- شهروندان قربانیان تروریسم

آیا در تحقق تروریسم ویژگی‌های قربانی جرم تأثیرگذار است؟ به عبارت دیگر آیا اگر قربانی جرم ویژگی خاصی را نداشته باشد، تروریسم محقق نمی‌شود؟ قربانیان جرم ممکن است نظامی یا مقام سیاسی یا شهروند عادی باشند. آیا هریک از افراد مذکور قربانی جرم واقع شوند، تروریسم محقق شده است؟

آنچه مسلم است اگر قربانیان جرم شهروندان عادی باشند، آن جرم تروریسم اطلاق می‌شود؛ چون موجب هراس و وحشت در بین عموم مردم یا برخی از مردم جامعه شده ولی در صورتی که قربانیان جرم نظامیان باشند چون اقدام مسلحانه علیه نظامیان ممکن است عنوان مجرمانه دیگری به خود بگیرد، عنوان تروریسم در خصوص آن‌ها مصداق ندارد مگر اینکه موجب هراس در بین مردم شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۲) در این حالت نیز چون قربانیان اصلی جرم مردم بوده چرا که هدف اصلی از ترور نظامیان نیز ایجاد رعب و وحشت در بین عامه مردم است؛ اما سوء قصد علیه

مقامات سیاسی در صورتی که در عموم مردم ایجاد هراس و وحشت کند ، مصداق تروریسم می تواند اطلاق شود چرا که در این حالت نیز قربانی اصلی جرم مقامات سیاسی نبوده بلکه عامه مردم قربانی این اقدام پلید می شوند. علت اصلی اینکه تروریسم به عنوان یک جرم تلقی شده و حکومت‌ها با آن برخورد می نمایند، این است که شهروندان عادی را که مرتکب هیچ خطا و گناهی نشده‌اند، حمایت شده و مورد تعرض و تجاوز افراد خودسر قرار نگیرند. هدف اصلی از ممنوعیت تروریسم حمایت از افرادی است که از هیچ حمایت ویژه ای برخوردار نیستند؛ اما نظامیان و مقامات سیاسی به روش‌های مختلف مورد حمایت واقع می شوند؛ بنابراین اگر قربانیان تروریسم را شامل افراد نظامی و مقامات سیاسی بدانیم، در جرم انگاری تروریسم، انگیزه‌های سیاسی و یا مذهبی و ... هم دخالت داده می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۲) اما اگر فقط هدف حمایت از افراد بی دفاع باشد، هیچ انگیزه‌ای غیر از حمایت از افراد بی‌گناه و شهروندان عادی در کار نخواهد بود . در واقع جرم انگاری تروریسم نقش مؤثری در حفظ امنیت جامعه دارد چرا که احساس محیط امن توسط شهروندان عادی یک شهر و کشور در ثبات حکومت در آنجا کمک شایانی می‌نماید.

۴- خشونت‌بار بودن عمل تروریستی

خشونت‌بار بودن یک جرم به چند شکل قابل تصور است،

۱- عمل تروریستی به ظاهر خشونت‌بار بوده ولی به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام نشده باشد ولی ایجاد ترس و وحشت نماید. ۲- عمل تروریستی در ظاهر خشونت‌بار بوده و به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام گرفته و ایجاد ترس و وحشت نیز نموده است . ۳- عمل تروریستی به ظاهر خشونت‌بار بوده ولی به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام نشده باشد و ایجاد ترس و وحشت نماید . ۴- عمل تروریستی به ظاهر خشونت‌بار بوده و به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام گرفته ولی ترسو و وحشت ایجاد ننموده است . ۵- تهدید به عمل تروریستی خشونت‌بار به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام گرفته ولی ترس و وحشت ایجاد ننموده است. ۶- تهدید به عمل تروریستی خشونت‌بار به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام نگرفته و ترس و وحشت ایجاد ننموده است . ۷- تهدید به عمل تروریستی خشونت‌بار به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام گرفته و ترس و وحشت ایجاد نموده است . ۸- تهدید به عمل تروریستی خشونت‌بار به قصد ایجاد رعب و وحشت انجام نگرفته ولی ترس و وحشت ایجاد نموده است.

برخی معتقدند «آنچه به عنوان عنصر اصلی و کلیدی در هر عمل و اقدام تروریستی به شمار می رود، تلاش و کوشش عمدی برای وحشت آفرینی نسبت به یک شخص یا یک گروه یا یک ملت است ، خواه همراه با خشونت صورت گیرد و یا اینکه فاقد آن باشد.» (نجفی اسفاد، ۱۳۸۰: ۱۰۴-۱۰۵). بنابراین چهار حالت برای تروریستی بودن یک عمل قابل تصور است . برخی بین عمل وحشت آفرین و تهدید به استفاده از آن تفاوت قائل شده و معتقدند مسلماً عمل خشونت‌بار، وصف عمل تروریستی را دارد ولی تهدید به عمل خشونت‌بار، اگر دارای وصف خشونت-بار باشد که موجب هراس شود، عمل خشونت‌بار محسوب شده و به همین دلیل مصداق عمل تروریستی محسوب خواهد شد (هاشمی، ۱۳۹۰: ۴۲). بنابراین در چهار حالت برای تروریستی بودن یک عمل قابل تصور است . برای مثال تهدید به رها کردن مواد شیمیایی در یک منطقه حتی شایعه به رها کردن مواد شیمیایی در یک منطقه به عنوان عمل تروریستی محسوب می‌شود. با عنایت به مطالب فوق‌الذکر، می‌توان گفت تعریف جامع و مانعی از تروریسم در

دکترین حقوق بین الملل ارائه نشده است و هریک از تعاریف فوق مورد نقد قرار گرفته است که از ذکر آن خودداری می شود. با توجه به جمیع جهات ، تعریف زیر به عنوان تعریف مناسب ترین تعریف ، ارائه می گردد: تروریسم عبارت است از به کارگیری اقدامات خشونت بار غیرقانونی، علیه شهروندان عادی یا تهدید به آن ، به هدف ایجاد رعب و وحشت بین عامه مردم

انواع تروریسم

توجه سازمان ملل به تروریسم و ریشه های آن به سه دهه پیش با مرکزیت مجمع عمومی باز می گردد که گونه های مشخصی از تروریسم را بر پایه عاملان، هدفها، شیوه ها و دیگر عوامل دسته بندی کرد. تروریسم به سه گونه بر پایه مباشر یا عامل بخش می شود: تروریسم غیردولتی و تروریسم دو پهلو و تروریسم دولتی که هر یک از این ها بر پایه هدف شیوه، زیرگروه هایی نیز دارند.

۱- تروریسم غیردولتی

تروریسم غیردولتی خود به دو نوع تروریسم خودمختاری و تروریسم برخاسته از نفرت ، تقسیم می شود. گاهی تروریسم، دربرگیرنده گروه های قوم پرست، نژادپرست، فاشیست، یا گروه های مشابهی است که آتش زدن، سو قصد، حلق آویز کردن و دیگر اعمال خشونت بار علیه اعضای بی گناه یک گروه بلاگردان را که از نظر نژادی یا فرهنگی متمایز می شوند، به گردن می گیرند (راما، ۱۳۹۳: ۷۶) و گاهی تروریسم، در اصل با جنبش های استقلال خواه ضد استعماری در هم آمیخته است و دربردارنده ی جنبش های مبارز برای خودمختاری جزئی علیه یک قدرت دولتی است که دشمن موجودیت، هویت یا بقای آن گروه دانسته می شود (راما، ۱۳۹۳: ۷۴). از تروریسم دولتی، تروریسم دینی، تروریسم جنایی، تروریسم علیل یا برخاسته از بیماری های روانی، تروریسم گروه های معرض یا گروه های خاص به عنوان اقسام و گونه های تروریسم یاد نمود (حسینی، ۱۳۹۱: ۲).

۲- تروریسم دولتی

تروریسم دولتی، تروریسمی است که در آن، دولت هدایت ترور را به عهده گرفته ، برای آن سازمان در نظر می گیرد. هزینه هایش را پرداخته، به افراد آموزش های نظامی می دهد و آن ها را در درون و بیرون جامعه هدایت می کند. ترور نمودی آشکار از به کارگیری خشونت و دولت نمود بارز قدرت سیاسی است . از این رو زمانی که یک دولت به عنوان یک قدرت سیاسی ، خشونت را در راستای اهداف خود بکار گیرد ، با مقوله ای تحت عنوان «تروریسم دولتی» مواجه خواهیم بود (کارگری، ۱۳۹۱: ۷۲) از جمله گروه های تروریستی دولتی که توسط دولت های استعمارگر ایجاد شده است می توان به گروه تروریستی داعش اشاره نمود که اگرچه بعضی از این گروه ها ظرفیت حمله به کشورهای خاورمیانه و جهان سوم را دارند، آن ها برای صلح جهانی و امنیت کشورهای اروپایی نسبت به هر زمان دیگری از شروع قرن اخیر کم خطرترند (Barret, 2012:3) گروه های تروریستی مذکور از انواع سلاح ها و فناوری های پیشرفته و پیچیده نهایت استفاده را می کنند (Marin, 2015:10).

دولت ها یا رژیم های سیاسی می توانند به طور مستقیم ، خود مرتکب اقدامات خشونت آمیز علیه شهروندان خود شوند، نظیر آنچه که استالین یا هیتلر علیه شهروندان خود انجام دادند و یا اینکه در راستای منافع خارجی خود ، سایر

کشورها را محل ارتکاب اقدامات خشونت‌آمیز خود قرار دهند و بدین ترتیب تروریسم دولتی را به ظهور برسانند. در تروریسم دولتی، یک دولت در انجام یک عملیات تروریستی و یا حمایت از عملیات خرابکارانه به منظور سرکوب نمودن مخالفین خود در داخل کشور خود، یا تضعیف و زوال و براندازی حکومت یا ساختار کشور دیگر دخالت یا مشارکت فعال دارد. استفاده قدرت‌ها از ترور می‌تواند در قالب ناپدیدسازی (کارگری، ۱۳۹۱: ۸۳) و حذف فیزیکی (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۱۴۲) نمود داشته باشد.

در حقوق بین‌الملل دولت‌ها متعهد هستند از اقدامات تروریستی حمایت و پشتیبانی نکنند و کلیه اسناد بین‌المللی بر این مسئله اجماع داشته‌اند که دولت‌ها باید از سازمان‌دهی، تحریک یا مشارکت در اقدامات تروریستی خودداری نمایند (زرنشان، ۱۳۸۶: ۸۱) با این حال عدم وجود ضمانت اجرا در عرصه بین‌المللی مانع از آن شده که دولت‌ها به این تعهداتشان عمل کنند. حمایت کشورها از تروریسم عمدتاً به شیوه‌های پنهانی و غیرمستقیم است و در این میان عمدتاً شیوه‌هایی را در پیش می‌گیرند که راه هرگونه اتهام را بر آنان را می‌بندد (باندورا، ۱۳۸۱: ۲۸۸-۲۸۹)

دولت‌ها ممکن است با پرداخت هزینه‌های یک اقدام تروریستی از آن تروریسم دولتی (مهر و کارگری، ۱۳۹۳: ۲۴۴) یا صرفاً با حمایت‌های دیپلماتیک، فارغ از حمایت‌های مالی یا نظامی (کارگری، ۱۳۹۱: ۱۱۵) حمایت کنند. در کنار دریافت کمک‌های مالی به عنوان رایج‌ترین نوع کمک، پناه گرفتن در سایه دولت‌ها و استفاده از قلمرو سرزمینی یک دولت، نوع دیگری از کمک‌های دولتی است که گروه‌های تروریستی از آن بهره می‌برند. یکی دیگر از شیوه‌هایی که می‌توان آن را به عنوان اقدامی حمایتی برای تروریست‌ها تلقی کرد، بی‌تفاوتی دولت‌ها نسبت به دستگیری یک تروریست تحت تعقیب و یا پیشگیری از اقدامات یک گروه تروریستی در قلمروی جغرافیایشان است که این امر معمولاً برای دوری از قرار دادن خود به عنوان هدف حملات تروریستی صورت می‌گیرد (سمعی اصفهانی، ۱۳۹۴: ۱۱۹).

تطبیق نهادهای مشابه در مکتب اسلام با تروریسم

۱- بغی و تطبیق آن با تروریسم

با دقت در تعریف بغی و شرایط تحقق آن، بغی را نمی‌توان مترادف تروریسم دانست چرا که در مقایسه تروریسم و بغی می‌توان تفاوت‌های در مورد سازمان‌یافتگی در هر دو مشاهده نمود.

۱- در تروریسم صرف تهدید به خشونت و ترساندن موجب تحقق جرم می‌شود ولی در بغی علاوه بر تهدید باید درگیری عملی نیز انجام شود که بغی محقق شود. پس در بغی باید توسل به قوه قهریه باشد و از طرفی تا زمانی که شروع به اعمال قوه قهریه بر ضد حکومت نگردد، نمی‌توان جنگ با مرتکب آن را آغاز نمود (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

۲- یکی از شرایط اساسی بغی شوکت و اقتدار است که بیانگر سازمان‌یافتگی این جرم است اما سازمان‌یافتگی در تروریسم با شوکت جرم بغی متفاوت است چرا که سازمان‌یافتگی در تروریسم فقط مربوط به زمانی است که مرتکب جرم تروریستی مقدمات و تمهیداتی را پیش بینی کرده باشد ولی شوکت در بغی علاوه بر تمهیدات نیازمند یک سازمان‌دهی نظامی و نیروها است.

بنابراین بغی از منظر امنیتی و اخلاقی نسبت به برخی از مصادیق تروریسم پرخطرتر است و جنگ نظامی علیه حکومت محسوب می شود. البته رابطه بغی و تروریسم را می توان عموم خصوص من وجه دانست چرا که ممکن است برخی از مصادیق بغی، از مصادیق تروریسم نیز محسوب گردد. با توجه به اینکه دین اسلام بغی را جرم اعلام نموده است و برای آن مجازات تعیین کرده است، اقدامات تروریستی که برخی از مصادیق آن بغی محسوب می شود را نیز محکوم می نماید و هیچ مشروعیتی برای این اقدامات قائل نیست.

۲- فتک و تطبیق آن با تروریسم

برخی معتقدند می توان فتک را مفهومی نزدیک به تروریسم دانست (محمدی(بحرانی)، ۱۳۹۰: ۵۴). اما بین تروریسم و فتک تفاوت وجود دارد: یکی از اهداف اساسی تروریسم ایجاد هراس در بین عامه مردم است ولی در جرم فتک هدف ایجاد رعب و وحشت در بین عامه مردم نیست. آنچه مسلم است برخی از مصادیق تروریسم تحت عنوان فتک قابل طبقه بندی است چرا که با ترور همه ارکان فتک محقق می شود ولی نمی توان هر عملی که از مصادیق فتک باشد را ترور محسوب نمود، چون از حیث هدف و انگیزه فتک در پی هراس و وحشت افکری در بین عامه مردم نیست ولی تروریسم با انگیزه هراس افکنی انجام می شود؛ بنابراین تروریسم از این حیث که امنیت و اخلاق جامعه را تهدید می نماید پرخطرتر از فتک بوده و مسلماً از منظر دین اسلام مذموم است.

۳- غیله و تطبیق آن با تروریسم

آنچه مسلم است برخی از مصادیق تروریسم تحت عنوان غیله قابل طبقه بندی است چرا که با ترور همه ارکان غیله محقق می شود ولی نمی توان هر عملی که از مصادیق غیله باشد را ترور محسوب نمود، چون از حیث هدف و انگیزه غیله در پی هراس و وحشت افکری در بین عامه مردم نیست ولی تروریسم با انگیزه هراس افکری انجام می شود؛ بنابراین تروریسم از این حیث که امنیت جامعه را تهدید می نماید پرخطرتر از غیله بوده و مسلماً از منظر دین اسلام مذموم است.

۴- محاربه و تطبیق آن با تروریسم

آنچه از تعاریف برداشت می شود این است که سلاح کشیدن و ایجاد ترس و وحشت کردن مختص شهرها و سرزمین های اسلامی نیست هر زمان و مکانی این اقدام انجام شود محاربه محسوب می گردد؛ بنابراین بسیاری از مصادیق جرم های تروریستی مثل غارتگری، گروگان گیری، آدم ربایی، هواپیمارمایی، کشتار غیر نظامیان بی گناه، بمب گذاری محاربه محسوب می شود. تفاوتی که بین تروریسم و محاربه وجود دارد، در ابزار ایجاد خشونت است. در محاربه ابزار ایجاد خشونت سلاح است ولی در تروریسم لزوماً ابزار ایجاد عمل خشونت بار سلاح نیست. آنچه مسلم است تمام مصادیق محاربه به عنوان مصادیق تروریسم قابل طبقه بندی است؛ چرا که در محاربه همه ارکان تروریسم محقق می شود ولی نمی توان هر عملی که از مصادیق تروریسم باشد را محاربه محسوب نمود، چون در تروریسم همیشه سلاح به کار نمی رود ولی یکی از ارکان محاربه استفاده از سلاح است؛ بنابراین محاربه از این حیث که امنیت جامعه را با سلاح تهدید می نماید پرخطرتر از تروریسم بوده و از منظر دین اسلام مذموم است و از این حیث که برخی از مصادیق تروریسم از مصادیق محاربه بوده، مسلماً اسلام اقدامات تروریستی را مذموم می داند.

۶- مبارزه اسلام با تروریسم

در اسلام اگر چه واژه تروریسم وجود ندارد ولی احکام و دستورالعمل‌ها و دیدگاه‌های وجود دارد که تروریسم را مشروع نمی‌داند و حکم به مبارزه با آن می‌دهد. در این خصوص می‌توان به احکام و دستورالعمل‌هایی که در خصوص مبارزه با «فتک»، «غیله»، «محرابه» و... صادر شده است، اشاره نمود. با عنایت به اینکه از منظر اسلام، مسلمانان را مکلف به حفظ جان، مال، ناموس و شرافت افراد بشر دانسته و اجازه نمی‌دهد که هیچ کس از طریق نامشروع به افراد بشر تجاوز کند (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۱۹۰)، انسان خلیفه الهی بر روی زمین است (سوره بقره، آیه ۳۰) و خداوند انسان را بر دیگر مخلوقات کرامت بخشیده است (سوره اسراء، آیه ۷۰)، حفظ امنیت جان و مال و سایر داشته‌ها انسان و عدم تعرض به آن‌ها لازمه این کرامت است (عبدالهادی، بی‌تا: ۱۶۵) بنابراین هر اقدام علیه امنیت جامعه جهانی و امنیت جامعه اسلامی که با مسلمانان در جنگ نیستند، از نظر اسلام و حکومت جمهوری اسلامی ایران که پیرو احکام اسلامی است، ممنوع بوده و مذموم شناخته می‌شود.

ممنوعیت تروریسم و دیگر جرائم مشابه در اسلام

هرچند که اشتراکاتی بین تروریسم و برخی از جرائم مذکور در حقوق اسلام وجود دارد، اما فصل مشترکی بین نظام اسلام و حقوق بین‌الملل در خصوص تروریسم وجود دارد که نگاه منفی این دو نظام به پدیده تروریسم است. از میان اصول کلی اسلام و ممنوعیت‌های که راجع به جرائم مشابه تروریسم این نگاه منفی اسلام را نسبت به این پدیده شوم می‌توان برداشت نمود. در ادامه ممنوعیت جرائم مشابه تروریسم و اصول کلی اسلام که نفی تروریسم و خشونت است به اختصار بررسی می‌شود:

۱- منع غیله و اغتیال

«غیله» و «اغتیال» یکی دیگر از اقدامات ضد اخلاقی و ضد امنیتی است که در اسلام حرام و جرم شمرده شده است (ابن منظور، ۲۰۰۵: ۴۷۳) برخی از فقها چنین فتوا داده اند: «اگر کافر در میدان جنگ گمان برد که مسلمانان قصد دارند به وی امان دهند، در حالی که مسلمانان چنین مقصودی نداشته باشند و او با چنین گمانی تسلیم شود، روا نیست او را غیله کنند و از روی فریب بکشند.» (حلی، ۱۴۱۹: ۴۱۵) برخی دیگر معتقدند: «امان مانع اغتیال است» (نجفی، ۱۳۸۴: ۲۷۶) با توجه به اینکه برخی از مصادیق غیله منطبق بر تروریسم باشد، چنین می‌توان نتیجه گرفت که از منظر اسلام غیله حتی نسبت به کافر حربی در میدان جنگ نیز ممنوع است و چنین دینی که از ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون چنین اقداماتی را ممنوع دانسته است مسلماً امکان ندارد از تروریسم حمایت کند و آن را ممنوع می‌داند.

۲- ممنوعیت بغی

سیره حضرت علی (ع) در برخورد با سه گروه از باغیان (قاسطین، ناکثین و مارقین) در زمان حکومت خود، مهم‌ترین دلیل و مستند برای ممنوعیت بغی در اسلام است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۱۸) این ممنوعیت نشان از عدم تأیید هر گونه اقدام نظامی علیه حاکم اسلامی و نوع بشریت است. ممنوعیت بغی در اسلام مبتنی بر آیه شریفه «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَا إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ»

فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (سوره حجرات، آیه ۹) اگر دو طائفه از مؤمنین به جان هم افتادند بینشان اصلاح کنید پس اگر معلوم شد یکی از آن دو طائفه بر دیگری ستم می‌کند با آن طائفه کارزار کنید تا به حکم اجبار تسلیم امر خدا شود و اگر به سوی خدا برگشت بین آن دو طائفه به عدل اصلاح کنید (و باز هم توصیه می‌کنم که) عدالت را گسترش دهید که خدا عدالت‌گستران را دوست می‌دارد.

به عبارت دیگر اسلام و حکومت اسلامی که مبتنی بر فرامین این دین است بغی و تروریسم را که امنیت و اخلاق افراد جامعه و حکومت را تهدید می‌کند، ممنوع دانسته و هیچ دلیل و مدرکی مبنی تأیید این اقدامات وجود ارائه نشده است.

۳- ممنوعیت فتک

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این باره فرمودند: «الایمان قید الفتک»؛ (علم الهدی، ۱۹۶۷: ۳۲۹) برخی معتقدند، این سخن استعاره است و بدین معنی است که مؤمن به دلیل ایمانش، خون محترم را به خاطر تعصب و سنت‌های جاهلی بر زمین نمی‌ریزد لذا ایمان، انسان را از ترور و آدمکشی منع می‌کند (علم الهدی، ۱۹۶۷: ۳۲۹) در احادیث و روایات اسلامی، «فتک» مورد ذم و نکوهش قرار گرفته و ممنوع شناخته شده است (ابن الاثیر، ۱۳۸۴: ۴۰۹) امان دادن، ترور را محدود ساخته است. برخی معتقدند فتکی که ممنوع شناخته شده است، مربوط به اقدام به قتل بعد از امان دادن به مقتول است. چنانکه در روایت آمده است «الایمان قید الفتک. من آمن رجلاً علی دمه فقتل، فأنا من القاتل بریء و ان كان المقتول كافراً» (علم الهدی، ۱۳۸۱: ۱۷۶) ایمان بازدارنده از فتک است. هر کس فردی را از ریختن خونس امان دهد، اما او را بکشد من از آن قاتل بیزارم، هرچند مقتول کافر باشد. همچنین امام صادق علیه السلام در پاسخ به یکی از اصحاب خود که مجوز برای کشتن همسایه هتاک خود به ساحت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌خواست، فرمودند این کار «فتک» است و قطعاً اسلام قید (عامل محدود کننده) و مانع فتک است (کلینی، بی‌تا: ۳۷۵).

البته برخی مجازات‌هایی که اسلام برای برخی جرائم پیش بینی کرده است را با فتک یکسان می‌دانند، مثلاً مجازات «ساب النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله» با فتک یکسان می‌دانند ولی در این خصوص باید گفت اولاً مجازات ساب النبی یک خشونت مبتنی بر قانون و علنی و اعلام شده است ولی خشونت در فتک پنهانی و مخفیانه است. ثانیاً، چون افرادی که از سوی پیامبر اکرم مهدورالدم شناخته شده مجرم بوده و حکومت دسترسی به آن‌ها نداشته و زنده ماندن آن‌ها موجب به خطر افتادن نظام اسلامی بود، با اعلام قبلی و بدون ایجاد رعب و وحشت در میان مردم حکم به قتل آن‌ها را صادر نمودند. ثالثاً در همه مواردی که مجازات اسلامی بوده، حتماً اذن و اجازه حاکم اسلامی به طور علنی اعلام شده است. هیچ کس با استنباط شخصی خود اقدام به این عمل نکرده است. رابعاً، در فتک شخص بی‌گناه کشته می‌شود ولی در مجازات ساب النبی، مجرم مهدورالدم کشته می‌شود (حسینی، ۱۳۹۱: ۴).

با توجه به اینکه مصادیق تروریسم تحت عنوان فتک قابل طبقه بندی است چرا که با ترور همه ارکان فتک محقق می‌شود ولی نمی‌توان هر عملی که از مصادیق فتک باشد را ترور محسوب نمود، چون از حیث هدف و انگیزه فتک در پی هراس و وحشت افکنی در بین عامه مردم نیست ولی تروریسم با انگیزه هراس افکنی انجام می‌شود؛ و با عنایت بر ممنوعیت هر نوع فتک که تهدید کننده امنیت افراد در جامعه اسلامی است، اسلام اقدامات تروریستی را

ممنوع دانسته و تمامی اقدامات تروریستی را که تهدید کننده جان انسان‌ها حتی کفار است را جرم دانسته و محکوم می‌کند و این اعمال را خلاف اخلاق حسنه و اخلاق اسلامی می‌داند.

جهاد اسلامی

جهاد در اسلام جنبه تدافعی دارد و خشونت مطلقى که به اسلام نسبت می‌دهند واقعیت ندارد. خداوند در قرآن می‌فرماید، با حکمت و موعظه حسنه مردم را به حق فرا خوانید : «ادع الی سبیل ربک بالحکمۀ و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن»، (نحل، آیه ۱۲۵) چرا که اصولاً اعتقاد اکراه بردار نیست : «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی»، (بقره، آیه ۲۵۶) جهاد در معنای خاص، جنگ مقدس و یا مبارزه به خاطر دین و در راه حق و دفاع از آزادی‌های والای اسلامی است. قرآن کریم تنها جهاد فی سبیل الله و یا قتال فی سبیل الله را جنگ مشروع می‌داند «وقاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا»، (بقره، آیه ۱۹۰). جهاد در اسلام، شرایط و مقررات و ویژه‌ای دارد که مجاهدان اسلام باید آن‌ها را فرا گرفته و مراعات کنند، از جمله اینکه جهاد ابتدایی بدون حضور امام معصوم یا نایب خاص او و جهاد ابتدایی در ماه‌ها و مکان‌های خاص ممنوع است (توبه، آیه ۵ و آیات ۱۹۱ و ۱۹۴ بقره)، همچنین اگر فردی از کافران به مسلمین پناهنده شود، همه می‌توانند به او پناهندگی بدهند یا اگر یکی از کافران، به خیال این‌که به او امان داده‌اند، وارد حدود مسلمین شود، او را نباید کشت و باید به محل اولش مراجعت داد. کشتن زنان، اطفال، معلولان و نابینایان حرام است و بسیاری از شرایط دیگر که تفصیل آن‌ها در کتب روایی و فقهی موجود است. بنابراین ماهیت و کارکرد جهاد اسلامی بسیار متفاوت از تروریسم است. جهاد اسلامی در مقام حفظ امنیت در سرزمین اسلام است و حفظ اخلاق اسلامی ولی اقدامات تروریستی در هر نقطه از جهان انجام شود، اخلاق در جامعه را تهدید می‌کند و به افول می‌کشاند.

وفای به عهد در معاهدات بین‌المللی از منظر اسلام

حاکم اسلامی با توجه به این فرامین در مواردی که جواز انعقاد معاهده با دیگر کشورها را دارد، می‌تواند معاهده، موافقت‌نامه یا پیمان منعقد نموده و باید به آن وفادار باشد. از منظر دین مبین اسلام وفای به عهد در معاهدات بین‌المللی یک امر واجب و لازم است. چرا که «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (سوره مائده، آیه ۱) و «المؤمنون عند شروطهم» (طوسی، ۱۳۸۶: ۳۷۱)، از فرامین این دین است؛ بنابراین حاکم اسلامی می‌تواند معاهدات، پیمان‌ها و موافقت‌نامه‌هایی که در زمینه مبارزه با تروریسم و اقدامات تروریستی است، امضاء کند. برای مثال در کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی برای مقابله با تروریسم بین‌المللی تمهیداتی پیش‌بینی شده است که جمهوری اسلامی ایران عضو این سازمان بوده و باید به این کنوانسیون پایبند باشد و هر عملی که به نحوی نقض پیمان‌های بین‌المللی محسوب شود و امنیت و اخلاق در جامعه را در جامعه جهانی تهدید نماید، از منظر اسلام پسندیده نیست و مخالف موازین اخلاقی محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

ترور به مثابه ایجاد رعب و هراس، پدیده جدیدی نیست، بلکه ریشه در زندگی گذشته بشر و سرشت قدرت‌گرایی انسان دارد. همان‌طور که در قرن اول میلادی گروه‌های تروریستی موسوم به «دشنه داران» در تاریخ شناخته شده‌اند

و هدف آن‌ها برانگیختن شورش یهودیان علیه رومیان بوده است و نیز مانند گروه اسماعیلیان نزاری و گروه فداییان حسن صباح که به ترور شخصیت‌های سیاسی دست می‌زدند و یا نظیر فرقه هندوهای «توگ» که با قتل و روش‌های تروریستی از قرن سیزدهم میلادی، در دهلی و بنگال فعالیت داشتند.

«ترور» که یک واژه لاتینی است سه قرن قبل به معنای ترس و وحشت در اروپا به کار برده شد و در فرانسه، دوره خاصی از انقلاب کبیر، به دوره ترور و وحشت شهرت یافته است و به قول ژاک دریدا پیشینه تاریخ سیاسی کلمه تروریسم از مراجعه به تروریسم انقلابی فرانسوی ناشی شده است و آن درست زمانی بود که دادگاه فرانسه در مدت دو سال نزدیک به سیصد هزار نفر را دستگیر و قریب به چهل هزار نفر را به اعدام محکوم کرد. این دوران (۱۷۹۳ - ۱۷۹۴) که وحشت سراسر اروپا را در خود فرو برده بود، دوران «ترور» نام گرفت.

تروریسم سیستماتیک و مدرن، با ادبیات و گفتمان جدید، در قرن نوزدهم ظهور کرد. چنان که حزب اراده مردم در روسیه در سال ۱۸۷۹ پرده از اهداف تروریستی خود برداشت و نیز در سال‌های ۱۹۶۶ - ۱۹۷۶ در چین و ۱۹۷۹ - ۱۹۷۶ در کامبوج میلیون‌ها نفر به قتل رسیدند. در دهه ۱۹۷۰، در آمریکا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، گروه‌های مسلح با گرایش‌های ناسیونالیستی با پیشینه طولانی ظاهر شدند. همچنین در نیم قرن گذشته دولت‌های قدرتمند، با اعمال ارهاب، وحشت و ترور، در رأس تروریسم دولتی قرار گرفتند و صدها گروه تروریستی را در گوشه و کنار جهان حمایت و سازمان‌دهی کردند و بالاخره رخداد حملات تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا و ظهور انواع اقدام‌های تروریستی در گوشه و کنار جهان، نظیر افغانستان، عراق و لبنان، آغاز شکل‌گیری تروریسم نوین با ادبیات و گفتمان جهانی شکل تازه‌ای به خود گرفت.

تروریسم به عنوان یک مکتب و داشتن اهداف خاص سیاسی و ایدئولوژیکی سازگار با گفتمان امروزی، در جهان اسلام وجود نداشته است؛ زیرا اسلام و مبانی دینی با چنین حرکت و خط مشیی مخالف است. از این رو ترور به عنوان یک مکتب و سازگار با ادبیات و گفتمان امروزی در جهان اسلام سابقه‌ای ندارد و در حقیقت تروریسم به شیوه یک مکتب خاستگاه غربی دارد، چنان‌چه بسیاری بر این باورند. هرچند در جهان اسلام بر اساس غرض‌های ضد دینی و بشری، ترورهای غیر گروهی وجود داشته است، نظیر شهادت حضرت علی علیه‌السلام به دست ابن ملجم که از مصادیق ترور به حساب می‌آید، ولی این نوع ترورها غیر از پدیده تروریسم در ادبیات معاصر است. در فقه اسلامی بحثی تحت عنوان «ترور» مطرح نشده است، چون این واژه اسلامی نیست، بلکه غربی است؛ اما در کتاب حدود ذیل عنوان ساب النبی و الأئمه علیهم السلام آمده است که اگر کسی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام دشنام دهد، شنونده می‌تواند دشنام‌دهنده را بکشد. کشتن ناسزاگو احکام مختلف دارد.

این واژه در فقه تحت عنوان «فتک» بر وزن «امر» آمده است، فتک یعنی این که غفلتاً به کسی یورش ببرند و او را بکشند. خواه با سلاح باشد یا نباشد، در امور سیاسی باشد یا نباشد. به نظر می‌رسد که فتک اعم از ترور باشد؛ یعنی ترور از مصادیق فتک است و ترور با قتل «غیله» مناسبت بیشتری دارد. چون معنای غیله آن است که کسی را فریب دهد و به جای نامعلوم برده او را به قتل رساند. پس در واقع این غیله است که با مفهوم ترور شباهت دارد و از نگاه معنا با هم نزدیک هستند. در تفسیر نمونه آمده است که: «غول» (بر وزن قول) در اصل به معنای فسادی است که به طور پنهانی در چیزی نفوذ می‌کند و این که به قتل‌های مخفی و ترور در ادبیات عرب "غیله" گفته می‌شود از همین

نظر است. همچنین در تفسیر هدایت آمده که غول، مستی یا طغیانی است که به نوشنده «می» دست می‌دهد و عقل و نیروهای او را می‌رباید، یا مرضی که منجر به مرگ می‌شود و از همین ماده است «اغتيال» یعنی کشتن در نهان (ترور).

در پیش‌نویس اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، آمده بود که اصول کلی جرائم بین‌المللی عبارت است از: نسل‌زدایی، نقض فاحش حقوق بشر دوستانه، (جنایات جنگی) جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی می‌گردید که شامل: ۱. تروریسم بین‌المللی

۲. حمل و نقل غیر قانونی مواد مخدر

۳. مداخله در امور کشورها

۴. سلطه استعمار و دیگر اشکال سلطه.

جنایات بین‌المللی اصولاً توسط اشخاص حقیقی قابل ارتکاب است و عملاً اراده اشخاص حقیقی است که در هر مورد تصمیم می‌گیرد. لکن این تصمیم‌گیری و ارتکاب عمل گاهی به تنهایی انجام می‌شود، گاهی به طور مشترک و با تشکیلات و سازمان‌دهی خاص و در بیشتر موارد جنایات بین‌المللی واجد هر دو جنبه است؛ به عبارت دیگر، در پیش‌نویس اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، جرائم در سطح بین‌المللی به دو دسته تقسیم شده است:

اول: جرائم عرفی که شامل نسل‌کشی، جنایت بر ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز است.

دوم: جرائم قراردادی، یعنی جرائمی که بر اساس قراردادهای بین‌المللی جرم تلقی شده‌اند که شامل تروریسم، جنایت بر ضد کارکنان سازمان ملل متحد، قاچاق مواد مخدر و مواد روان‌گردان می‌گردید؛ اما پس از تصویب اساسنامه، فقط جرائم عرفی در حیطه کار دیوان قرار گرفت و جرائم معاهداتی از صلاحیت رسیدگی آن خارج شد. اکنون چون وظایف دیوان محدود به جرائم عرفی گردیده، دیگر دیوان دادگستری در غیر موارد معین در اساسنامه حق رسیدگی و دخالت نخواهد داشت.

هرچند که در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، کیفر سایر جرائم درج نشد، ولی مفهوم آن این نیست که دیگر حقوق بین‌الملل از کنار تمام جرم و جنایات شنیع و آلام بشری به راحتی گذر خواهد کرد و اعمال ضد انسانی مرتکبان فجایع شرم‌آور را با دیده اغماض خواهد نگریست. حقوق بین‌الملل موظف است از نظم و امنیت جهانی پاسداری کند و هر آنچه که با این انگیزه‌ها در تضاد و تنازع باشد به منزله پا گذاشتن بر ارزش‌های انسانی و قواعد بین‌المللی خواهد بود، لذا سازمان ملل تلاش کرده است که با تصویب قطعنامه و کنوانسیون‌های مختلف جلوی ارتکاب هر نوع اعمال غیرقانونی علیه صلح و امنیت جهانی را مسدود سازد.

در این جهت سازمان ملل ده‌ها کنوانسیون در موضوعات گوناگون بین‌المللی را تصویب و منتشر کرده که بررسی همه آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است و فقط به اهم آن‌ها اشاره می‌گردد:

۱. به موجب ماده چهار پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷، اعمال تروریستی در هر زمان و مکان که باشد، ممنوع است و باید ممنوع باقی بماند.

۲. مجمع عمومی سازمان ملل متحد تعریف مشخص و پذیرفته شده‌ای از تروریسم دارد و پلمدهای خطرناکی نیز برای آن قائل است که از نقض حقوق بشر تا به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی را در برمی‌گیرد.

۳. مجمع عمومی برای کمک به اجرای خواسته‌های خود در قطعنامه شماره ۲۱۰ / ۵۱، مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶، تأسیس کمیته ویژه تروریسم را پیش‌بینی کرد.
 ۴. شورای امنیت در سال ۱۹۹۹ نیز اولین قطعنامه شماره ۱۲۶۹ خود را در خصوص تروریسم صادر کرد و تعریفی شبیه آنچه مجمع عمومی از تروریسم ارائه کرده بود را پذیرفته است.
 ۵. پس از حملات یازده سپتامبر، مجمع عمومی و شورای امنیت قطعنامه‌هایی صادر نمودند که اگر چه ظاهراً خاص و موردی بود، لکن موضوعات نسبتاً مهم مندرج در آن‌ها به قطعنامه‌های خاص هم جنبه عمومیت بخشید و مقررات بین‌المللی مربوط به مقابله با تروریسم را تقویت کرد.
 ۶. مجمع عمومی یک روز پس از حملات تروریستی یازده سپتامبر با صدور قطعنامه ۶۵ / ال ۱ ضمن محکوم کردن حملات تروریستی، خواستار همکاری بین‌المللی برای دستگیری و مجازات عوامل و سازمان دهندگان حملات و همچنین جلوگیری از اقدامات تروریستی و ریشه‌کنی تروریسم در عرصه بین‌المللی گردید.
 ۷. شورای امنیت دو قطعنامه ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ را صادر نمود. شورا در قطعنامه ۱۳۷۳ که در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ تصویب کرد، علاوه بر تهدیدآمیز خواندن این‌گونه اقدامات تروریستی، برای صلح و امنیت بین‌المللی و شناسایی حق دفاع فردی یا جمعی از خود برای آمریکا، طبق فصل هفتم منشور ملل متحد، از تمامی دولت‌ها می‌خواهد تا اقدامات زیر را انجام دهند:
 ۱. از تأمین مالی اقدامات تروریستی در قلمرو خود جلوگیری کنند و آن را جرم بشناسند.
 ۲. منافع گروه‌ها و افرادی که به هر نحو در فعالیت‌های تروریستی دخالت دارند را مسدود نمایند.
 ۳. منابع تأمین تسلیحاتی تروریست‌ها را از بین ببرند.
 ۴. مانع استفاده تروریست‌ها از قلمرو خود شوند.
 ۵. اقدامات تروریستی را در قوانین و مقررات داخلی در زمره جرائم جنایی حاد قرار داده و اجرای عدالت در مورد مرتکبان این‌گونه جرائم را تضمین نمایند.
 ۶. حداکثر کمک را به یکدیگر در ارتباط با تحقیقات جنایی و رسیدگی جنایی به مسائل مربوط به تأمین مالی یا حمایت از اقدامات تروریستی، از جمله کمک به دستیابی به شواهد لازم برای رسیدگی قضایی به عمل آورند.
 ۷. راه‌هایی را برای افزایش تبادل اطلاعات در خصوص اقدامات و تحرکات افراد و گروه‌های تروریستی بیابند.
 ۸. برای جلوگیری از اقدامات تروریستی در قالب موافقت‌نامه‌ها و ترتیبات دو یا چندجانبه به همکاری پردازند.
 ۹. کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی مربوط به تروریسم و همچنین قطعنامه‌های شورای امنیت، از جمله قطعنامه ۱۲۹۹ و ۱۳۶۸ را به طور کامل به مورد اجرا گذارند.
- بنابراین نباید تصور شود که حقوق بین‌الملل ضد تروریسم وجود ندارد، بلکه مقررات موجود دارای چارچوب استوار و محکم در مقابله با تروریسم بین‌المللی می‌باشند، اما این که چرا این قوانین نتوانسته آلام بشری را کاهش دهد و در عرصه جهانی موفقیت کسب کند، بحث دیگری خواهد بود.

منابع

قرآن کریم

- آشوری، داریوش (۱۳۹۴)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید
- باندورا، آلبرت (۱۳۸۱)، «سازوکارهای بنی‌فیدی اخلاقی»، چ ۱، رایش، والتر، ریشه‌های تروریسم، ترجمه سید حسینی محمدی نجم، دوره عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- بوسار، آندرو (۱۳۷۷)، بزهکاری بنی‌المللی، ترجمه نگار رخشانی، تهران، گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵)، ترمینولوژی حقوق، چ ۷، واژه ۱۲۰۹، گنج دانش، تهران.
- حاجیان، ابراهیم، ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۹)، پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم، چاپ اول، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک
- حق‌شناس، علی و سامعی، حسین و انتخابی، نرگس (۱۳۹۳)، فرهنگ معاصر هزاره، چ ۲، تهران: فرهنگ معاصر
- حیم، سلیمان (۱۳۹۳)، فرهنگ انگلیسی - فارسی حیم، تهران: فرهنگ معاصر
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه نور، ج ۶، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۷)، ش، تحریر الوسیله، چ ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۱)، تحلیلی تروریسم در نسبت مفهوم امریت و منافع ملی، چ ۱، تهران، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.
- شاملو احمدی، محمد حسین (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات و عناوین جزایی، اصفهان: نشر دادیار
- باتر، گری و جیمز دردیان، موریس فلوری، روزالین هیگینز، ژاک بوریه، پیتر فلمینگ، پترس پترس غالی، آنتونیو کاسسه، مایکل استول، دیوید آرون شوارتز، مایکل لایمن (۱۳۸۴)، تروریسم: تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، مترجمان: عباس باقرپور اردکانی، اسماعیل بقابی هامانه، زهرا کسمتی، سید قاسم زمانی، وحید بزرگی، علیرضا طیب، تهران، نشر نی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱)، فقه سیاسی، ج ۳، چ ۳، تهران، امیرکبیر.
- کارگری، نوروز (۱۳۹۱)، درون‌مایه‌های تروریسم، چ ۱، تهران، نشر میزان.
- محمدی جورکوبی، علی (۱۳۸۳)، مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- محمدی (بحرافی)، سید احمد (۱۳۹۰)، رویکرد حقوقی به تروریسم، چ ۱، تهران، نشر فرهنگ‌شناسی.
- مصباح‌زیدی، محمدتوی (۱۳۹۴)، جنگ و جهاد در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- منتظری، حسینی‌علی (۱۳۸۷)، حکومت دینی و حقوق انسان، قم، ارغوان دانش.
- می‌محمد صادقی، حسینی (۱۳۹۳)، حقوق جزای بین‌الملل، چ ۵، تهران، نشر میزان.
- می‌محمد صادقی، محمد حسینی (۱۳۹۴)، حقوق کفوی اختصاصی (۳) جرائم علیه امریت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان.
- هاشمی، سید حسینی (۱۳۸۵)، ارتداد و آزادی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هاشمی، سید حسینی (۱۳۹۰)، تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی، چ ۱، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مقالات

- آزمایش، سیدعلی (۱۳۸۰)، «تروریسم بنی‌المللی» (خلاصه سخنرانی استاد دکتر آزما پیش در دانشگاه علوم اسلام ی رضوی در تاریخ ۱۳۸۰/۹/۱، با تلخیص و اضافات دکتر عباس ش‌بخ الاسلامی و دکتر علی‌رضا حجت‌زاده)، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلام ی رضوی (الهات و حقوق).
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۰)، «مفهوم تروریسم»، ارائه شده در هما پیش "تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین الملل"، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری

الهویی نظری، حمید؛ فامیل زوار جلالی، امیر (۱۳۹۶)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌های تأمین‌کننده مالی تروریسم، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۷، شماره ۳

جلالی، محمود (۱۳۸۴)، «تروریسم از دیدگاه حقوق بین‌الملل با تأکید بر حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، نامه مفید، سال یازدهم، ش ۵۲.

حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۰)، تروریسم از دیدگاه اسلام، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۶.

حسینی، سید ابراهیم (۱۳۹۱)، «تروریسم بین‌المللی از دیدگاه اسلام»، پایگاه اطلاع‌رسانی قربانیان ترور.

راما، مانی (۱۳۹۳)، «ریشه‌های تروریسم و پیشگیری از هم‌سویی»، منتشره در: آشوری، محمد و دیگران، تروریسم‌شناسی (مجموعه مقاله‌ها)، تهران، انتشارات نگاه بینه.

زر نشان، شهرام (۱۳۸۶)، «شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم»، مجله حقوقی، ش ۳۸.

سمیعی اصفهانی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۴)، «مبارزه با تأمین مالی تروریسم در پرتو اسناد بین‌المللی»، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، سال ششم، ش ۲۲.

شاملو، باقر (۱۳۸۰)، تفکیک بین تروریسم و جرائم سرطری، ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

شریعی، شهرزاد؛ میرزاده، اکرم (۱۳۹۴)، «تقابل خشونت هژمونیک و تروریسم در عراق»، فصلنامه تحقیقات سرطری بین‌المللی، ش ۲۵.

محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۵)، «تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن»، تحقیقات حقوقی، ش ۱۸.

مرعشی، محمدحسن (۱۳۸۰)، «مبانی فقهی محکومیت تروریسم در اسلام»، منتشره در مجموعه مقالات تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

مهر، نسرین؛ کارگری، نوروز (۱۳۹۳)، «مروری بر نیم رخ گروه‌های تروریستی»، منتشره در: آشوری، محمد و دیگران، تروریسم‌شناسی (مجموعه مقاله‌ها)، تهران: انتشارات نگاه بینه.

میر محمدصادقی، حسینی (۱۳۸۰)، تروریسم رسانه‌ای، ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۸۰)، بررسی اجمالی تروریسم در کنوانسیون‌های حقوق بین‌الملل هوایی، ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۰)، ارائه شده در همایش تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

دکمیجان، هرایر (۱۳۹۰)، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه‌ی حمید احمدی، تهران، انتشارات

دهشیار، حسین (۱۳۹۲)، «عربستان: کنشگر منطقه‌ای در بستر روابط ویژه»، فصلنامه‌ی روابط خارجی، سال پنجم، شماره‌ی سوم، ص ۴۴.

منابع عربی

ابن الاثیر، مبارک بن محمد (۱۳۸۴)، النهای فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، قم، دارالتفسیر

ابن منظور، محمد بن مکرم (۲۰۰۵)، لسان العرب، ج ۱، بیروت: اعلمی

ابن فارس، ابوالحسین احمد بن زکری ابن فارس (۱۴۰۴ ق)، معجم مقایی اللغة، ج ۴، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

طوسی، ابوجعفر محمد ابن حسن (۱۴۰۰ ق)، النهای فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتب العربی.

صالح، صبحی (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغه، قم: دارالهجره.

طوسی، ابوجعفر محمد ابن حسن (۱۳۸۶)، المبسوط فی الفقه الامامیه، ج ۷، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

علم‌الهدی، مرتضی (۱۳۸۱ ش)، تنزیه الانبیاء، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

-----، ۱۹۶۷ م، المعجازات النبویه قاهره، قم: مؤسسه الحلبي و شركاء.

فتح‌الله، احمد (۱۴۱۵ ق)، معجم الفاظ الفقه الجعفری، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).

فله‌جی، محمد و قریبی؛ صادق، حامد (۱۴۰۸ ق)، معجم لغه الفقهاء، بیوت، دارالنفائس.

نجفی، محمد حسن (۱۳۸۴ ش)، جواهر الکلام، ج ۲۱، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامی.

حای (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق)، تذکره الفقهاء، ج ۹، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

James Lodge, (1981), *Terrorism: A Challenge to the State*, (Oxford: Martin Robertson)

Robert A. Fraid Lander, (1981), *Terrorism and Law: What Price Safety?* (Gaithersburg, MD:IACP)

Wilkinson, Paul, (1992), *Terrorism and the Liberal State*, 2nd ed (London Macmillan)

Dona M. Schlagheck, "International Terrorism, an Introduction to the Concepts and Actors" (New York, Free press, 1987)

Lester A. Sobel. "Political Terrorism "(New York: Facts on File, 1975)

Richard E. Rubenstein, " Alchemists of Revolution: Terrorism in the Modern Word". (New York: Basic Books, 1997)

Thomas P. Thronton, "Terror as a Weapon of Political Agitation" in *Internal War*, ed. H. Eckstein. (New York: Free Press, 1964)

Miguel del Cid Gómez, Juan (2010). "A Financial Profile of the Terrorism of Al- Qaeda and its Affiliates, in perspectives on terrorism", *A Journal of the Terrorism Research Initiative (TRI)*, Vol. 4, Issue 4

David C. Rapoport, (1992), *Terrorism Encyclopedia of Government and Politics*, (London, Routledge, 1992).

Barrett, Richard, (2012), *PREVENTING THE FINANCING OF TERRORISM*, *Case Western Reserve Journal of International Law*, Vol. 44 Issue 3.

Haigner, S.D., Schneider, F. and Wakolbinger, F. (2012). "Combating money laundering and the financing of terrorism: A survey", *Economics of Security Working Paper 65*, Berlin: Economics of Security

Marin, Florica, (2015), *TERRORISM FINANCING. CONNECTIONS TO ORGANIZED CRIME, CRIMINAL LAW REVIEW* see in <http://www.criminallawreview.eu/>

Annex to resolution No: 59/26-P, *Convention of the Organization of the Islamic Conference on Combating International Terrorism. International Convention for Suppression of the financing of terrorism*, adopted by the General Assembly of the United of the Nations on 9 December 1999.

International Convention for the Suppression of Terrorist Bombing, G.A. Res. 164, U.N.GAOR, 52nd Sess., Supp. no. 49, at 389, U.n.Doc. A/52/49(1998), entered into force May 23, 2001

Proposal for a COUNCIL FRAMEWORK DECISION on combating terrorism (presented by the Commission) Brussels, COM (2001) final.

Security Council /Resolution 2199 (2015)/ see in: United Nations /RES/2199(2015)

Bayhis, John Steve Smith, (2005), *The Globalization of World Politics, an Introduction to International Relations*, Oxford, Oxford UP, the Second Edition

Zob, Jim (2004), "From Iraqi Occupation to Islamic Reformation Neo-cons Aim Beyond Iraq", *Foreign Policy*, Vol. 4, No. 2.